هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیادشیرازی

جنگ تحمیلی

و

امنیت خلیج فارس

نویسندگان:

دریادار دوم عبدالله معنوی رودسری؛

دریادار دوم شاهرخ سلیمانی سوادکوهی؛

ناخدا یکم مجید منصوری

بررسی و نظارت علمی نظامی:

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

" از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند. "

" جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود. "

امام خمینی(ره)

***

" می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

" دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

برای مقابله با دشمنان بایستی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بسیجی یدواحده و قدرت واحده باشیم.

«شهید سپهبد علی صیاد شیرازی- ۱۳٦٤/۱۱/۲٦»

همکاران:

سرتیپ ستاد ناصر آراسته	نظارت، بررسی و اصلاح در تمام مراحل تدوین
سرتیپ۲ ستاد نجاتعلی صادقی‌گویا	آماده‌سازی، نشر
الهه آموزگار	ویراستاری، صفحه‌آرایی
حامد خدمتی	صفحه‌آرایی نهایی، طرح جلد

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آن‌ها به سینه‌های پاک و تشنهٔ نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«**هیئت معارف جنگ**» از پاییز سال۱۳۷۳، با تصویب حضرت امام خامنه‌ای و بنیان‌گذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالّذینَ جاهَدوا فِینا لَنَهدِیَنَّهُم سُبُلَنا وَ اِنَّ اللهَ لَمَعَ المُحْسِنین»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی ـ فرهنگی ـ عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۷۳ تا سال ۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۷۸ تا سال ۹۵ بیش از ۱۴۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارابی ارتش

جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمده و تا زمان نگارش این کتاب بیش از ۲۶ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز به اجرا درآمد.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۸ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را در ساعات فوق برنامه طی نموده که تا زمان چاپ این کتاب بیش از ۳۳۲ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند. از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت ۸ ساعت و تا سال ۹۵ تعداد ۵۵۰۲ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند. از بهمن سال ۱۳۹۳ تاکنون نیز تعداد ۲۵۰ هزار نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم در هر دوره به مدت ۸ ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «**شهید سپهبد علی صیادشیرازی**»

فهرست مطالب

معرفی نویسندگان دَه
چکیده چهارده
مقدمه ۱
ژئوپلیتیک خلیج فارس ۴
شورای همکاری خلیج فارس ۱۱
عراق و ترتیبات امنیتی ۱۶
جمهوری اسلامی ایران ۱۸
ایالات متحده امریکا ۲۱
اهمیت خلیج فارس برای امنیت و هژمونی ایالات متحده ۲۱
پایگاه‌های نظامی آمریکا در برخی کشورهای عرب ۲۲
حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر کشورهای عربی منطقه ۲۴
نتیجه‌گیری ۲۹
صحنه نبرد در دریا ۳۱
راهبرد نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۴۲
توان رزمی نداجا ۴۹
جنگ نفت‌کش‌ها ۵۴
درگیری با ناوگان امریکا ۶۰
روزشمار کلی درگیری نیروی دریایی سپاه با امریکا در جنگ تحمیلی ۶۵
راهبرد دریایی عراق در جنگ تحمیلی ۶۸
توان رزمی نیروی دریایی عراق در شروع جنگ تحمیلی ۷۰
نیروی انسانی ۷۰
پایگاه‌های دریایی ۷۰
یگان‌های شناور نیروی دریایی عراق ۷۱
حقوق جنگ دریایی ۷۶
محدودیت‌های وارد بر آزادی کشتیرانی ۷۷
منطقه جنگی ایران ۷۷

محاصره دریایی ساحل عراق توسط ایران ۸۰
مقابله با موارد نقض تعهدات دول بی‌طرف ۸۳
بازرسی کشتی‌های بی‌طرف و توقیف قاچاق جنگی ۸۳
کالاهایی را که می‌توان توقیف کرد ۸۵
کالاهای به مقصد دشمن ۸۶
کمک به افزایش توان رزمی دشمن ۸۷
توقیف کشتی‌های بی‌طرف حامل قاچاق جنگی ۸۸
عملکرد جمهوری اسلامی ایران قبل از تصویب قانون ۸۸
رأی در خصوص اعتبار قانونی توقیف ۸۹
اعمال حق تفتیش و توقیف بعد از آتش‌بس ۹۰
واکنش در برابر تخلف از تعهد به بی‌طرفی و تبعیض بین دول متخاصم ۹۱
حمله به نفت‌کش‌های بی‌طرف ۹۱
جنگ نفت‌کش‌ها، دلایل و روند رویدادها ۱۰۰
این جنگ، از نظر منطقه و شدت عملیات نیز از سه مرحله تشکیل شده بود ۱۰۲
حمله به نفت‌کش‌های بی‌طرف ۱۰۵
نتایج کمک‌های اعطایی به عراق ۱۰۶
اصل یکپارچگی امنیت در خلیج فارس ۱۰۷
تشدید جنگ نفت‌کش‌ها ۱۰۸
دخالت امریکا در جنگ نفت‌کش‌ها ۱۰۹
بازتاب بین‌المللی جنگ نفت‌کش‌ها و مداخله گسترده نیروهای فرامنطقه‌ای ۱۱۵
صادرات نفت ۱۱۷
درآمد و مقدار صادرات نفت کشور ۶۷-۱۳۵۸ ۱۱۹
عملیات نیروهای امریکایی علیه یگان‌های شناور ایرانی در ۲۹ فروردین ۶۷ ۱۲۵
نیروهای خودی و دشمن ۱۲۶
نیروی دشمن ۱۲۶
نیروی خودی ۱۲۶
برخورد با مین ناو امریکایی ۱۲۷

شرح عملیات ۱۲۹
درگیری کلی ۱۲۹
درگیری با ناوشکن سبلان ۱۳۴
تأثیر جنگ نفت‌کش‌ها بر روند کلی جنگ ۱۳۷
فشارهای اقتصادی و تبلیغاتی ۱۳۷
جنایات و اقدامات نظامی علیه ایران ۱۳۸
پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان مخاصمه ۱۴۰
زمینه‌های صدور قطعنامه ۵۹۸ ۱۴۰
بررسی وضعیت عینی جنگ در سال‌های پایانی ۱۴۶
تغییرات در موازنه جنگ زمینی ۱۴۷
سقوط فاو ۱۴۷
سقوط شلمچه ۱۴۸
سقوط جزایر مجنون ۱۴۸
تداوم تهاجم عراق ۱۴۹
نتایج حاصله ۱۵۱
منابع و مآخذ ۱۵۳
منابع خارجی ۱۵۹

معرفی نویسندگان

دریادار دوم بازنشسته عبدالله معنوی‌رودسری

الف) وضعیت خدمتی

- ✓ ورود به ارتش: ۱۳۴۸ (نیروی دریایی)
- ✓ بازنشسته: ۱۳۸۰
- ✓ آخرین درجه: دریادار۲ فرماندهی و ستاد
- ✓ محل‌های خدمت: منطقه یکم بندرعباس، منطقه دوم بوشهر، مرکز آموزش انزلی، ستاد نداجا
- ✓ یگان‌های خدمتی: فرمانده دوم و فرمانده ناوهای موشک‌انداز، نیروبر، ناوشکن سبلان، ناو بالگردبر خارک، مرکز آموزش ناوگان، رئیس عملیات و رئیس ستاد منطقه یکم بندرعباس و در پایان معاون عملیات نداجا
- ✓ مدت خدمت در مناطق عملیاتی: هشت سال

ب) پروژه‌های تحقیقاتی انجام‌شده

- ✓ تحقیق نظری و تدوین ۱۳ فقره کتب راهبردی ـ عملیات ـ تاکتیکی جهت نداجا
- ✓ تحقیق صنعتی و طراحی عملیاتی سه فقره سامانه نبرد شناورهای سطحی و زیرسطحی و کنترل تردد دریایی
- ✓ همکاری با صنایع و مؤسسات تحقیقاتی وزارت دفاع، دانشگاه و انجمن علمی فرماندهی و کنترل و همکاری با ستاد کل

دریادار دوم بازنشسته شاهرخ سلیمانی‌سوادکوهی

- ✓ تاریخ ورود به نیروی دریایی: ۱۳۴۹
- ✓ تاریخ بازنشستگی: ۱۳۸۳
- ✓ مدت خدمت در مناطق عملیاتی: ۴ سال و ۸ ماه

مراحل آموزشی

- ✓ دانشکده افسری دریایی سلطنتی دارتموث در انگلیس
- ✓ دوره آموزش عملی بر روی ناوگان آموزشی نیروی دریایی انگلیس در اسکاندیناوی و شمال اروپا
- ✓ ۶ ماه دوره عملی آموزش دریایی بر روی ناوگان ششم ایالات متحده در مدیترانه
- ✓ دوره عالی مخابرات دریایی در هندوستان
- ✓ دوره عملیات و تاکتیک‌های دریایی در هندوستان
- ✓ دوره عملیات مشترک در فرماندهی آموزش‌های نهاجا

مشاغل

- ✓ مشاغل مختلف بر روی ناوشکن رستم، ناوشکن پلنگ، ناو لجستیکی کنگان
- ✓ فرمانده مرکز آموزش مخابرات در پایگاه دریایی شمال
- ✓ وابسته نظامی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا
- ✓ معاونت اطلاعات اداره دوم سماجا
- ✓ مشاور فرمانده کل ارتش

تألیفات

- ✓ برآورد تهدیدات کشورهای امریکا، انگلیس، فرانسه
- ✓ ۸ جلد کتب مخابرات تاکتیکی برای آموزش دوره‌های عالی نداجا
- ✓ ترجمه کتاب تاکتیک دریایی شماره ۱۶ (الف) تبادل در دریا
- ✓ ترجمه کتاب ناتو پس از پایان جنگ سرد
- ✓ کتاب خاطرات از سوادکوه تا لندن
- ✓ تألیف کتاب ژئوپولتیک ایران

ناخدایکم بازنشسته مجید منصوری

الف) وضعیت خدمتی

- ✓ ورود به ارتش: ۱۳۵۶ (نیروی دریایی)
- ✓ بازنشسته: ۱۳۸۶
- ✓ آخرین درجه: ناخدایکم کمیسر دریایی
- ✓ محل‌های خدمت: منطقه یکم بندرعباس، دانشگاه علوم دریایی امام خمینی(ره) نوشهر، ستاد نداجا
- ✓ یگان‌های خدمتی: افسر تدارکات ناوشکن‌ها و ناو پشتیبانی بوشهر، رئیس دایره تجزیه و تحلیل آموزشی، مدیر برنامه‌ریزی معاونت آموزش دانشگاه نوشهر و تدریس در دانشکده مدیریت این دانشگاه، رئیس دایره تحقیق و توسعه دفتر مطالعات راهبردی نداجا، مدیر طرح و برنامه نداجا
- ✓ خدمت در مناطق عملیاتی: کمی بیش از ۴ سال

ب) پروژه‌های تحقیقاتی انجام‌شده

- ✓ انجام دو فقره تحقیق نظری و مشارکت در انجام پنج فقره تحقیق نظری و راهبردی جهت نداجا
- ✓ تألیف ۱۵ جلد کتاب در زمینه دفاع مقدس و تعدادی مقاله برای انتشار در نشریات کثیرالانتشار کشور
- ✓ همکاری با ستاد کل نیروهای مسلح در زمینه ترجمه دکترین دریایی امریکا در اقیانوس هند و شرق آسیا، فعالیت‌های فرماندهی‌های نیروهای امریکا در نقاط مختلف جهان و...
- ✓ مشارکت در تدوین مطالب موردنظر در راستای عملیات نداجا در طول دفاع مقدس جهت ایجاد موزه ملی دفاع مقدس

چکیده

اعلام منطقه جنگی

منطقه جنگی در خلیج فارس، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به صورت رسمی اعلام شد.

اعلام این منطقه جنگی به طور کامل منطبق بر قوانین بین المللی ناظر بر مناطق جنگی در دریا در دوران تخاصم نظامی بین کشورها بوده و ضمن تأمین امنیت و منافع خودی در دریا، کشتیرانی آزاد برای سایر کشورهای منطقه و جهان در این آبراه حساس و حیاتی را تأمین می‌نمود.

متن کامل اطلاعیه که به درخواست ستاد نیروی دریایی ارتش از اداره سوم ستاد مشترک درخواست شده بود به شرح زیر است:

«با توجه به تجاوزات عراق به ایران اسلامی، بدین‌وسیله کلیه مرزهای آبی نزدیک سواحل ایران، منطقه جنگی اعلام می‌شود و کشور ایران اجازه حمل کالا به بنادر عراق را به هیچ‌یک از کشتی‌ها نخواهد داد. برای امنیت کشتی‌رانی در خلیج فارس اعلام می‌دارد مسیرهای زیر می‌بایستی رعایت گردد. کشتی‌ها پس از عبور از تنگه هرمز، مسیر خود را طوری تغییر دهند که از ۱۲ مایلی جنوب جزیره ابوموسی، ۱۲ مایلی جنوب جزیره سیری، جنوب چراغ دریایی کیبل بنک و از ۱۲ مایلی جنوب‌غربی جزیره فارسی عبور نمایند. کشور ایران تعهدی در برابر سرپیچی‌کنندگان از این اعلامیه نخواهد داشت.»

همان‌گونه که در متن این اعلامیه مشخص شده است، نیروی دریایی ارتش برای کشتی‌رانی بین‌المللی در تنگه هرمز هیچ‌گونه محدودیت و خطری به استثنای کشور عراق که با ایران در جنگ بود، ایجاد نکرد و بر اساس حقوق بین‌المللی دریایی، تمام کشتی‌ها می‌توانستند آزادانه به بنادر سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که با ایران در جنگ نبودند، تردد کنند.

جمهوری اسلامی ایران برای روش شدن افکار عمومی جهان مجدداً در ۲۰ مهر ۱۳۵۹ رسماً تعهد خود مبنی بر باز نگاه داشتن تنگه هرمز بر روی کشتی‌های بین‌المللی را مورد تأکید قرار می‌دهد.[۱]

جنگ نفت‌کش‌ها

با ادامه پیروزی‌های نیروهای ایرانی در نابودی دوسوم نیروی دریایی عراق در ۷ آذر سال ۱۳۵۹ و نبردهای بزرگ در زمین و آزادسازی بخش‌های مهمی از سرزمین‌های متصرفی در چند عملیات بزرگ و بسیار موفق، سرفرماندهی ارتش بعث به پیشنهاد کشورهای حامی خود تلاش گسترده و جدیدی را برای توقف صادرات نفت ایران با هدف ممانعت از دسترسی ایران به منابع مالی لازم برای ادامه جنگ آغاز نمود که در واقع آغازی بر جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس از سوی عراق بود.

---

۱. نامه رسمی وزیر امور خارجه ایران به دبیر کل سازمان ملل متحد، سند شماره s/۱۴/۲۲۶.

در این رابطه، در یک گزارش تحقیقاتی، نیروی دریایی ایالات متحده آمده است:

نیروی دریایی ایران از همان ابتدای جنگ بخش وسیعی از نیروی دریایی عراق را منهدم کرد و یا در بنادر مسدودشده آن محبوس نمود. در مقابل، عراق جنگ نفت‌کش‌ها را از سال ۱۹۸۱ (۱۳٦۰ش) علیه کشتی‌هایی که نفت ایران را به خارج صادر می‌کردند آغاز کرد. تا سال ۱۹۸٤ (۱۳٦۳) عراق این عملیات را بدون اقدامات متقابل ایران تداوم بخشید. در ماه مارس ۱۹۸٤، عراق عملیات خود را شدت بخشید و دامنه اقدامات خود را به شرق و جنوب جزیره خارک افزایش داد. دو ماه بعد، ایران نیز عملیات مقابله به مثل خود را علیه کشتیرانی در خلیج فارس آغاز نمود.[۱]

هشدار ایران

بعد از سال ۱۹۸۴، عراق با افزایش فشار تلاش کرد ایران را اغوا کند تا در جهت فشار به عراق و متحدان منطقه‌ای‌اش تنگه هرمز را مسدود سازد. هدف عراق از اجرای این نقشه، قطع کامل صادرات نفت از خلیج فارس و مداخله مستقیم نظامی کشورهای غربی واردکننده نفت از این منطقه بر ضد ایران بوده است.

در نهایت، تهران اعلام داشت: اگر ما از صادرات نفت محروم شویم، تمامی خلیج فارس محروم خواهند شد.

---

۱. Proceeding Magazine. May 1988. Iran Iraq war. Orourke Ronald

به دنبال این هشدار، نفوذ امریکا در منطقه با حضور ناوگان‌های خود و ناتو و انجام گشت‌زنی‌های بیشتر افزایش یافت. یک ماه بعد، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، تجاوز ایران به آزادی کشتی‌رانی را، تهدید علیه ثبات و امنیت منطقه و خطر جدی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و خواستار تشکیل جلسه فوری شورا شدند.

شورای امنیت نیز در تاریخ اول ژوئن۱۹۸۴ (۱۳۶۳/۳/۱۱) با تصویب طرح قطعنامه پیشنهادی شش کشور شورای همکاری در قالب قطعنامه۵۲۲، حمله به کشتی‌های تجاری را محکوم کرد و به طور تلویحی ایران را مسئول این حملات و ادامه جنگ دانست.

در اجرای تدبیر فرماندهی جنگ، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اقدامات تلافی‌جویانه خود را مستقلاً از طریق یگان‌های شناور رزمی و در عملیات‌های مشترک با مشارکت هواپیماهای گشت نیروی دریایی و جنگنده‌های نیروی هوایی به اجرا درآورد. اگرچه، این آمادگی کاملاً وجود داشت تا در صورت نیاز پاسخ‌های لازم به هر نیروی متجاوزی، حتی فرامنطقه‌ای، داده شود، لیکن از نظر نداجا هدف اصلی بر پاسخگویی به حملات عراق متمرکز بود و ضمن حفظ اقتدار و عزت و دفاع از مرزهای آبی جمهوری اسلامی ایران از ایجاد تنش غیرضروری با نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس اجتناب می‌گردید.

تشدید جنگ نفت‌کش‌ها

با حضور برادران نیروی دریایی سپاه در منطقه عملیاتی خلیج فارس، اقدامات زیر به وقوع پیوست:

در سال ۱۳۶۵، سپاه مقابله به مثل را آغاز کرد. در حالی که عراق به ۶۶ نفت‌کش حمله کرد. ایران ۴۱ نفت‌کش را مورد حمله قرار داد. در واقع، تعداد حملات در سال ۶۴ فقط ۴۷ مورد بود، ولی در سال بعد به ۱۰۷ مورد افزایش یافت.

در همان سال، به موازات حمله به نفت‌کش‌ها در مقایسه با سال قبل، قیمت نفت نیز به طور بی‌سابقه‌ای کاهش یافت. چنانکه از ۲۶ دلار به ۶ دلار رسید. درآمد ارزی ایران در این سال فقط شش میلیارد دلار بود که بخش اعظم آن برای ادامه جنگ استفاده می‌شد.

واکنش‌های ایران و تحرکات در خلیج فارس عامل اصلی نفوذ و دخالت امریکا و متحدان اروپایی‌اش در منطقه گردید. با این حال، جنگ نفت‌کش‌ها تنها در سال چهارم جنگ نقشی اساسی در معادلات نبرد ایفا کرد. در حالی که دو کشور جنگ نفت‌کش‌ها را با حمله به کشتی‌های طرف مقابل آغاز کردند، اما در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) این حملات به کشتی‌های کشورهای ثالث نیز کشیده شد. پس از این زمان، عراق تلاش می‌کرد تا با حملات هوایی به تأسیسات نفتی ایران، این کشور را به توقف حمله به کشتی‌های در حال تردد در خلیج فارس وادار کند. ایران نیز در مقابل، حملات هوایی و دریایی را به کشتی‌های کشورهای حامی عراق و نفت‌کش‌هایی که به سمت این کشور در حرکت بودند افزایش داد.

در روز ۱۳۶۶/۷/۱۶، در درگیری پنج فروند هلی‌کوپتر امریکایی با پنج فروند قایق تندرو سپاه، سه قایق سپاه غرق و دو نفر شهید شدند و یک فروند هلی‌کوپتر امریکایی سقوط کرد.[۱]

در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲۳، یک هفته پس از درگیری بالگردهای امریکایی با قایق‌های ایرانی، اصابت یک فروند موشک کرم ابریشم به کشتی نفت‌کش امریکایی سانگاری در ساحل کویت، موجب شد ۱۸ نفر، از جمله ناخدای کشتی مجروح شوند.[۲]

در روز ۱۳۶۶/۷/۲۷، امریکا به سکوی نفتی رشادت حمله کرد. این سکو دارای دو جایگاه می‌باشد (R4 و R7) که امریکایی‌ها آن را منهدم کردند.[۳]

امریکا پس از ناکامی در تلاش‌های سیاسی و نظامی، با هدف به دست گرفتن ابتکار عمل، طرح تحریم خرید نفت ایران را صادر کرد. پیرو این موضع‌گیری صریح، اروپا و ژاپن اعلام کردند تنها از فروش سلاح به ایران خودداری خواهند کرد.

تا پایان سال ۱۳۶۶، هواپیماهای عراقی به حملات بی‌امان خود علیه بنادر، جزایر، کشتی‌ها و نفت‌کش‌ها ادامه دادند و سپاه نیز موضوع کاشت مین و زدن کشتی‌های باری را در دستور کار داشت.

---

۱. محمد درودیان، همان، ص۱۳۷.
۲. همان، ص۱۴۱. و: خبرگزاری فرانسه، ۶۶/۷/۲۳.
۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه شماره۲۱۴، ۶۶/۷/۲۸.
منامه، یونایتدپرس، ۶۶/۷/۲۷.
محمد درودیان، همان، ص۱۴۵.

در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۶، کشتی جنگی امریکا به نام ساموئل رابرتز با مین برخورد کرد و قایق‌های توپدار سپاه با کشتی امریکایی ویلیتاید در سواحل امارات درگیر شدند.[۱]

در روز ۱۳۶۷/۱/۲۹، امریکا سکوهای نفتی نصر و سلمان را با گلوله و موشک منهدم کرد و متعاقب آن با نیروی دریایی ارتش درگیر شد.

در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۲، ناو وینسنس در تعقیب قایق‌های گشت سپاه و در اقدامی وحشیانه، هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰ سرنشین را در آب‌های خلیج فارس هدف قرار داد و سرنگون ساخت.[۲]

پذیرش قطعنامه

در جنگ نفت‌کش‌ها، همانگونه که در اسناد فوق آورده شده است، عراق به طور کلی دو هدف عمده را در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر دنبال می‌کرد:

۱) کاهش درآمدهای مالی ایران از محل صادرات نفت.

۲) حضور قدرت‌های خارجی در منطقه و در نتیجه، تغییر جنگ از ماهیت منطقه‌ای آن به ماهیت جهانی.

این در حالی بود که هدف اصلی ایران برقراری آزادی و عبور و تردد امن شناورهای دوست و بی‌طرف و پرهیز از بازگشایی جبهه جدیدی از جنگ در منطقه خلیج فارس بود.

---

۱. فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق، شماره۷.
مجله نگین ایران، آنتونی کردزمن، ترجمه پریسا کریمی‌نیا، ص۷۰.
۲. محمد درودیان، *پایان جنگ*، ص۱۰۶.

به طوری که ملاحظه شد، تهدیدات بین‌المللی به خوبی از سوی مسئولان بلندپایه ایران احساس می‌شد و ترتیبات امنیتی در حوزه خلیج فارس، پس از صدور قطعنامه و عدم پذیرفتن آن از سوی ایران با توسل به اصل ۴۱ و ۴۲ منشور، کاملاً شناخته شده بود.

گرچه تصمیم امریکا برای خاتمه جنگ پس از سال۶۵ قطعی شد، لکن عدم موفقیت در پیاده کردن صلح از راه مذاکره مستقیم با ایران، عزم کاخ سفید را برای نفوذ هرچه بیشتر در منطقه و خاتمه جنگ قوت بخشید و باعث شد امریکا مجموعه‌ای از فعالیت‌های عمدتاً غیرانسانی را برای پایان دادن به جنگ انجام دهد.

موتور محرکه و پیشران چنین تصمیمی، ادعای امریکا از ناامن بودن آبراه بین‌المللی خلیج فارس به دلیل درگیری‌های موضعی با نیروهای ایرانی بود. نتیجه چنین درگیری‌ها، برابر اسناد فوق موجب وارد شدن میلیون‌ها دلار خسارت به تأسیسات نفتی و به شهادت رسیدن نیروها و انهدام برخی از شناورهای خودی بود که رژیم بعث عراق تا آن موقع نه قادر به برنامه‌ریزی بود و نه حتی جرئت اجرای آن را داشت.

حاصل کار، در واقع، یعنی نفوذ بیشتر امریکا در منطقه، کاهش درآمد ارزی ایران و وارد آمدن خدشه به اقتصاد ملی و افزایش توان رزمی عراق و از طرفی، تغییر ماهیت جنگ به صورت یک جنگ فرامنطقه‌ای و در نهایت، باز شدن جبهه بزرگی در خلیج فارس و اجبار ایران به پذیرش قطعنامه۵۹۸ که امام(ره) از آن به «جام زهر» تعبیر نمودند.

مقدمه

به دلایل کاملاً روشن اقتصادی و نظامی، حفظ و تداوم امنیت خلیج فارس مهم‌ترین و حیاتی‌ترین اصل برای جمهوری اسلامی ایران در دوران صلح و جنگ به شمار می‌آید و هر عاملی که شرایط امنیتی را برای جمهوری اسلامی ایران در این آبراه راهبردی که بخش مهمی از آن در سرزمین و ژئوپولتیک ایران قرار گرفته است دچار خدشه نماید قطعاً خط قرمز منافع ملی ایران محسوب شده و نیروهای مسلح با تمام قدرت و امکانات برای رفع آن اقدام خواهند نمود.

بخشی از این اقدامات، بازدارنده و بخشی نیز مقابله مستقیم با اقدامات خصمانه دشمن خواهد بود .یکی از ابعاد مهم در جنگ تحمیلی عراق برضد ایران، جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس است.

عراق به طور کلی دو هدف عمده را در این راستا دنبال می‌کرد: کاهش درآمدهای مالی ایران از محل صادرات نفت، حضور قدرت‌های خارجی در منطقه و در نتیجه، تغییر جنگ از ماهیت منطقه‌ای آن به ماهیت جهانی. جنگ نفتکش‌ها از دو جهت ابعاد بین المللی پیدا کرده بود. از یك طرف،۷۰% از نیازهای نفتی ژاپن، ۵۰% از نیازهای نفتی اروپای غربی و ۷% از نیازهای نفتی امریکا در اوایل دهه۸۰ از خلیج فارس تأمین می‌شد و از طرف دیگر، حمله به نفتکش‌ها محدود به نفتکش‌های دو کشور ایران و عراق نمی‌شد، بلکه کشورهای بی‌طرف را نیز در برمی‌گرفت.

این جنگ، از دو مرحله تشکیل شده بود. در مرحله اول که در سال ۱۹۸۱ شروع شد، عراق به طور یك جانبه، به کلیه کشتی‌هایی که به طرف بنادر ایران حرکت می‌کردند، هشدار می‌داد که به آنها حمله خواهد کرد.

بغداد در این عملیات ترجیح می‌داد که از بالگردهای سوپر فریلون مجهز به موشك‌های اگزوست یا میراژهای اف-۱ استفاده کند.

جنگ نفت‌کش‌ها در سال ۱۹۸٤ وارد مرحله جدیدی شد و عراق محدوده‌ای به مساحت ۱۱۲٦ کیلومتر مربع را، از دهانه شط‌العرب تا بندر بوشهر، منطقه جنگی اعلام کرد و با استفاده از جنگنده‌های سوپراتاندارد مجهز به موشك‌های اگزوست، نفتکش‌ها را مورد حمله قرار می‌داد.

در مارس۱۹۸٤، عراق با موشك اگزوسه به نفتکش یونانی در جنوب جزیره خارك، حمله کرد. تا این زمان، ایران به کشتی‌های غیرنظامی خلیج فارس حمله نکرده بود. در همان سال، عراق با جنگنده‌های سوپراتاندارد، به ۷۱ کشتی تجاری حمله کرد، در صورتی که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸٤، فقط به ٤۸ کشتی تجاری حمله شده بود. انگیزه عراق، خارج ساختن وضعیت جنگی از حالت سکون و وادار ساختن ایران به شرکت در مذاکرات بود. حملات مکرر عراق نتوانست صادرات نفت را از این ترمینال، به طور کامل متوقف کند.

موج حملات عراق موجب شد که ایران دست به عکس‌العمل بزند. این پیامی به این معنا بود که اگر عراق تردد کشتی‌ها را در محدوده ایران ناامن سازد، کشتیرانی در خلیج فارس برای تمام کشورها ناامن خواهد شد. عراق تلاش جدی داشت تا صادرات نفت ایران را متوقف سازد. در این میان، کشورهای مختلف، به ویژه فرانسه، پیشرفته‌ترین تجهیزات خود، مانند جنگنده‌های سوپراتاندارد را در اختیار عراق قرار دادند، تا به نفتکش‌هایی که نفت ایران را حمل می‌کردند، حمله کنند. نقش امریکا در مرحله دوم حمله به نفتکش‌ها، همکاری با عراق بود و حتی درباره محل عبور این کشتی‌ها به عراق اطلاعات می‌داد.

بدون شك، عراق نمی‌توانست بدون همکاری این کشورها به نفتکش‌ها حمله کند و این بخشی از راهبرد عراق بود که کشورهای مختلف را برای حمایت از خود وارد این جنگ کند که تا حد زیادی هم در این مورد موفق شده بود و نهایتاً به درگیری نظامی نیروی دریایی ایالات متحده و نیروهای دریایی ایران در خلیج فارس منجر گردید. این کتاب، چگونگی شکل‌گیری این روند و نتایج حاصله را اجمالاً مورد مطالعه قرار می‌دهد.

ژئوپولتیک خلیج فارس

اگر بخواهیم در جهان منطقه‌ای را از نظر ژئوپولتیک[1] یا سیاست جغرافیایی مورد بررسی قرار دهیم که تمامی عوامل برتری نظامی، سیاسی و اقتصادی را در خود یک‌جا جمع کرده باشد، بدون شک خلیج فارس و تنگه هرمز گزینه نخست خواهند بود. شاید در دوران پس از جنگ جهانی دوم، هیچ منطقه جغرافیایی از دیدگاه ژئوپولتیک همچون خلیج فارس به طور اعم و کشورهای پیرامون آن به صورت ویژه مورد تجزیه و تحلیل و مطالعه تحلیل‌گران برجسته و مراکز معتبر مطالعات راهبردی جهان قرار نگرفته‌اند. علاوه بر آن به دلیل وقوع گسترده‌ترین جنگ‌های چند دهه گذشته در منطقه خلیج فارس که تقریباً اکثر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر نمودند،[2] و احتمال درگیری‌های نظامی بیشتر و یا بی‌ثباتی و ناآرامی‌های داخلی کشورهای پیرامون آن، همه ساله بسیاری از مراکز معتبر تحقیقات راهبردی نظامی و سیاسی جهان بخشی از مطالعات خود را به این منطقه مهم و حیاتی اختصاص می‌دهند.

در همین راستا جهانی اندیش امریکایی "پروفسور جفری کمپ" در نوشته ای که در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد، مجموعه سرزمین‌هایی را که دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر می‌باشند (منطقه بیضی شکل انرژی

---

۱. سیاست جغرافیایی به معنی مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی صاحبان قدرت است.

۲. جنگ عراق علیه ایران ۱۳۵۹ الی۱۳٦۷؛ اشغال کویت توسط صدام اگوست ۱۹۹۰؛ جنگ اول خلیج فارس برای آزادی کویت ژانویه ۱۹۹۱؛ جنگ دوم خلیج فارس موسوم به سپر جزیره برای سرنگونی صدام و اشغال عراق ۲۰مارس ۲۰۰۳.

استراتژیک) نام نهاده است. منطقه ای که سرزمین‌های ایرانی را در میان خود دارند و ایران چون پلی استراتژیک این دو منبع بزرگ انرژی جهان را به هم پیوند می‌دهد. این وضعیت به نوعی هم می تواند برای ایران یک فرصت باشد و هم یک تهدید؛ زیرا این موقعیت ویژه موجب گردیده است تا در طول دو سده اخیر ایران مستمراً مورد توجه و رقابت کشورهای سلطه‌گر برای نفوذ یا تسلط بر آن قرار گیرد. یکی دیگر از جهانی اندیشان امریکایی در جغرافیای سیاسی به نام "آنسی کولبرگ" در نوشته ای که در سال ۲۰۰۰ انتشار یافت، معتقد است که هارتلند[1] جدید منطقه‌ای است بین دریای خزر و خلیج فارس که دربرگیرنده سرزمین ایران است.

به نظر نویسنده درک این وضعیت و پذیرفتن اهمیت ژئواستراتژیک موقعیت ایران میان این دو منبع انرژی (دریای خزر و خلیج فارس) برای ایالات متحده گریزناپذیر شده است. واشنگتن به تدریج با این واقعیت ژئوپولتیک کنار می‌آید که نه تنها (هارتلند) به دنیای مطالعات ژئوپولتیک بازگشته است، بلکه از محل قدیمی خود در آسیای میانه به جنوب حرکت کرده و در میان دو دریای خزر و خلیج فارس جای گرفته است.[2] بنابراین از هر منظر که به خلیج فارس نگریسته شود، این دریا از اهمیت استثنایی و انکارناپذیری برای اقتصاد و امنیت جهان و منطقه غرب آسیا برخوردار است.

خلیج فارس آبراهی است که در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه‌جزیره عربستان قرار دارد. مساحت خلیج فارس ۲۳۷٬۴۷۳ کیلومتر

---

۱. Heart Land یا سرزمین مرکزی

۲. پیروز مجتهد زاده، جغرافیای سیاسی - سیاست جغرافیایی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸٦.

مربع است، و پس از خلیج مکزیک و خلیج هادسون سومین خلیج بزرگ جهان به شمار می‌آید. خلیج فارس از شرق از طریق تنگه هرمز و دریای عمان به اقیانوس هند و دریای عرب راه دارد، و از غرب به دلتای رودخانه اروندرود، که حاصل پیوند دو رودخانه دجله و فرات و پیوستن رود کارون به آن است، ختم می‌شود.[۱]

کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در کناره خلیج فارس واقع هستند. در این میان سواحل شمالی خلیج فارس تماماً در جغرافیای سیاسی ایران قرار دارند.[۲] به سبب وجود منابع سرشار نفت و گاز در خلیج فارس و سواحل آن، این آبراهه در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای مهم و راهبردی به شمار می‌آید.

تنگه راهبردی هرمز، خلیج فارس را به دریای عمان و آب‌های آزاد متصل می‌نماید. اگرچه دقیقاً نمی‌توان طول تنگه را محاسبه نمود، اما طول این آبراه ۱۵۸ کیلومتر و عرض آن از بندر عباس تا رأس شوریط در عمان بین ۵۶ تا ۱۸۰ کیلومتر می‌باشد. عمق آب در تنگه هرمز متغیر است، به طوری که در نزدیکی ساحل جزیره لارک، در حدود ۳۶ متر و در ساحل جنوبی و در نزدیکی شبه جزیره مسندم به بیش از ۱۰۰ متر می‌رسد. حداکثر عمق آب در خلیج فارس ۹۰ متر است. قوس آن، رو به شمال و به طرف درون فلات ایران قرار دارد و در نتیجه بیشترین خط ساحلی آن در راستای کرانه‌های ایران قرار گرفته است. تنگه هرمز دومین تنگه بین‌المللی پرتردد دنیاست.

---

۱. محمد عجم، اسناد نام خلیج فارس میراثی کهن و جاودان، تهران، اوین، ۱۳۸۸.

2. hamshahrionline.ir/details/123690

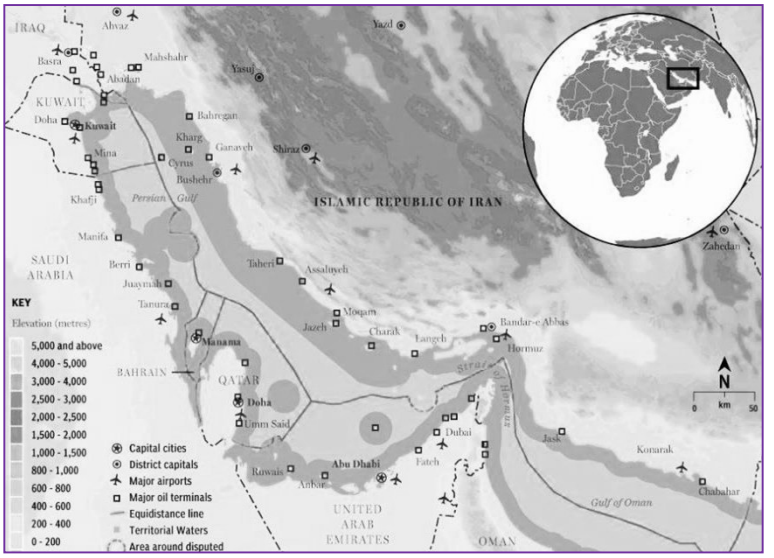

شکل۱: نقشه ژئوپولتیکی خلیج فارس

خطوط قرمز نشان‌دهنده مرزهای فلات قاره و اقتصادی و مناطق آبی پررنگ نشان‌دهنده آب‌های سرزمینی ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد. ایران مرزهای دریایی خود در خلیج فارس را با عربستان، قطر، بحرین و عمان تعریف و تثبیت کرده است، اما مرزهای آبی مشترک با کشورهای امارات، کویت و عراق در خلیج فارس همچنان تعریف نشده باقی مانده‌اند.[۱]

تنگه هرمز با توجه به عبور روزانه ۱۷میلیون بشکه نفت در سال ۲۰۱۱ مهمترین گذرگاه آبی جهان می‌باشد. این در حالی است که میزان نفت منتقل شده از این تنگه بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ بین ۱۶الی ۱۵/۵میلیون بشکه در روز بود. نفت منتقل شده از این تنگه در سال ۲۰۱۱ حدود ۳۵% کل محموله‌های نفتی جهانی است. به طور متوسط

۱. برگرفته از منابع مرکز مطالعات خلیج فارس.

در سال ۲۰۱۱، روزانه ۱٤تانکر بزرگ نفتی به سمت دریای عمان از این تنگه عبور کرده که به همین میزان تانکر خالی برای بارگیری نفت با عبور از این تنگه وارد خلیج فارس شده‌اند. بیش از ۸۵% صادرات این محموله‌های نفتی به سمت بازارهای آسیایی ـ چین، ژاپن،کره جنوبی و هند ـ ارسال می‌شود.

حدود ٦۸% ذخایر شناخته‌شده نفت و گاز دنیا در خلیج فارس قرار داشته و امنیت تنگه هرمز نقش کلیدی در تأمین مستمر و مطمئن انرژی دنیا دارد. بیشتر این نفت به بازارهای آسیا، ایالات متحده و اروپای غربی می‌رود و ۷۵% نفت خام ژاپن از این مسیر وارد می‌شود. بیشتر صادرات نفت خام از خلیج فارس در مسیرهای بسیار طولانی از طریق نفت‌کش‌های بسیار بزرگ انجام می‌شود که توانایی حمل بیش از دو میلیون بشکه نفت خام را در هر سفر دارند.

از نظر نظامی بزرگ‌ترین تجمع ناوهای فرامنطقه‌ای پس از جنگ جهانی دوم در آب‌های خلیج فارس بوده است. در دوران جنگ تحمیلی نیروی دریایی ایالات متحده با تقویت ناوگان خود در خلیج فارس، اگرچه به صورت محدود اما عملاً وارد جنگ دریایی و هوایی علیه ایران شد. در دوران جنگ اول و دوم خلیج فارس بیش از ۵۰ فروند ناو جنگی ایالات متحده، شامل چهار فروند ناو هواپیمابر و ده‌ها فروند ناوهای رزمی سایر کشورهای شرکت کننده در تهاجم علیه عراق در خلیج فارس گسترش یافته و علیه نیروهای عراقی وارد عمل شدند.

در اول جولای ۱۹۹۵ ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده تحت امر فرماندهی مرکزی ارتش امریکا پس از سال‌ها انحلال، مجدداً فعالیت

خود را در خلیج فارس آغاز کرد. این ناوگان در شرایط عادی دارای بیش از ۲۰ فروند ناو جنگی از جمله یک ناوگروه رزمی ناو هواپیمابر می‌باشد.[1]

اخیراً نیز نیروی دریایی انگستان در ماه دسامبر ۲۰۱٤ اعلام کرد که برای اولین بار از زمان ۱۹۷۰ یک پایگاه دریایی دائم را در بندر مینا سلمان در بحرین تأسیس خواهد نمود.

به علاوه اکثر کشورهای غربی دارای قدرت دریایی مانند فرانسه، استرالیا، کانادا، آلمان و... به صورت دوره‌ای و به مناسبت‌های مختلف، از جمله شرکت در تمرینات نظامی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در منطقه حضور می‌یابند؛ البته باید حضور رو به افزایش یگان‌های شناور کشورهای حاشیه خلیج فارس را به آمارهای فوق افزود.

1 .Battle Group Aircraft Carrier

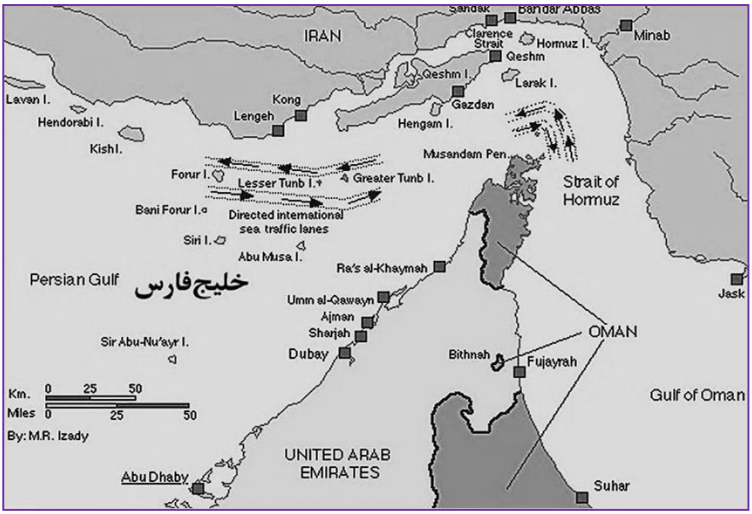

شکل۲: تنگه استراتژیک هرمز

تنگه هرمز که تنها معبر آبی اتصال خلیج فارس به آب‌های آزاد می‌باشد، به دلایل سیاسی، نظامی و اقتصادی مهم‌ترین نقطه ژئواستراتژیک جهان است . خلیج فارس در غرب این تنگه شاهد بیشترین حضور نظامی قدرت‌های جهانی، وقوع جنگ‌های بزرگ و فراگیر منطقه‌ای و رویدادهای مرتبط و تأثیرگذار بر اقتصاد بین‌المللی در دوران معاصر بوده است.

از دیدگاه امنیتی کشورهای پیرامون خلیج فارس را به دلیل تفاوت‌های عمیق در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان به سه بخش شورای همکاری خلیج فارس، عراق و ایران تقسیم نمود و هریک را اجمالاً مورد بررسی قرار داد. هریک از این سه حوزه امنیتی دارای دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضادی می‌باشند که تأثیر راهبردی بر هرگونه توافقات امنیتی در خلیج فارس دارد؛ به علاوه ایالات متحده نیز مهم‌ترین بازیگر سیاسی، نظامی، امنیتی منطقه است که نقش مستقیمی در ترتیبات امنیتی خلیج فارس ایفا نموده و در آینده این سیاست را تداوم خواهد بخشید.

شورای همکاری خلیج فارس

این شورا که در جریان جنگ اول خلیج‌فارس (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران) شکل گرفت، بیم از این داشت که دامنه جنگ به این کشورها کشیده شود و زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها را با خطر جدی تا حد نابودی روبرو کند. بزرگ‌ترین عضو این شورا یعنی عربستان سعودی از یک طرف به خاطر نوع حکومت خود همواره از خطر بروز مخالفت‌ها و اعتراض‌ها که نظام سیاسی را با مشکل مواجه نماید، بیمناک بوده است.

در نتیجه، این کشور همواره از توانمند شدن عراق و جمهوری اسلامی ایران هراس به دل داشت، از این‌رو می‌کوشید با تکیه بر دوستی با ایالات متحده و اتحاد با کشورهای کوچک‌تر حوزه خلیج فارس از میزان تهدیدات این دو کشور علیه خود بکاهد، اما تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و نیز امضای قراردادهای امنیتی با امریکا از میزان نگرانی‌های امنیتی این کشور نکاست، بلکه با رشد جریان‌های سلفی و بنیادگرا در درون عربستان و خراب شدن تصویر این کشور در ذهن مردم اروپا و امریکا که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر صورت گرفت، احساس خطر از مداخله گسترده ایالات متحده در امور داخلی عربستان به نگرانی قبلی این کشور افزوده شد. از این جهت، نه الگوی موازنه سنتی و نه الگوی هژمونیک هیچ یک نمی‌تواند این نگرانی‌ها را بر طرف سازد. بنابراین الگویی دیگر باید یافت که در این میان احتمالاً الگوی امنیت مشارکت‌جویانه مناسب می‌باشد. سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کمابیش دارای نگرانی‌های مشابهی هستند، ولی با این تفاوت که این کشورها از خود عربستان سعودی نیز که نقش برادر بزرگ‌تر را در

شورای مذکور ایفا می‌کند، بیمناک می‌باشند. کشورهای کوچک خلیج فارس، ضعف‌های آشکاری دارند که امنیت آنها را بسیار شکننده می‌کند.

برخی از این ضعف‌ها عبارتند از ضعف هویتی، اعم از هویت ملی یا تاریخی، متکی بودن به درآمدهای نفتی، فقدان عمق استراتژیک به دلیل محدودیت خاک، قرار گرفتن اکثر شهرهای آباد و مراکز اقتصادی این کشورها در حاشیه دریا و یا در نزدیکی مرزها.

دیدگاهی که در سال‌های اخیر توسط برخی از متفکرین امریکایی مطرح می‌شده، تشکیل اتحادیه دفاعی با حضور شورای همکاری خلیج فارس، دولت عراق و ایالات متحده امریکا می‌باشد. هدف از تشکیل این اتحادیه دور نگهداشتن ایران از ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و تحت نظارت قرار دادن دولت عراق می‌باشد.

این طرح با هدف حفظ نیروهای امریکایی در منطقه و تسلیح عراق به سلاح‌های متعارف به گونه‌ای که همسایگان عرب احساس تهدید نکنند، تدوین شده است. اگر مردم کشورهای خلیج فارس متقاعد شوند که نیروهای امریکایی از حقوق یکسان با آنها در منطقه برخوردار می‌باشند، این گونه ترتیبات امنیتی منطقه‌ای می‌تواند به حضور نیروهای نظامی امریکا در منطقه مشروعیت بخشد. این رویکرد با چالش‌هایی در منطقه مواجه است.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با توجه به شرایط به وجود آمده در سال‌های اخیر و مخالفت افکار عمومی کشورهای اسلامی با سیاست‌های مداخله‌جویانه علیه کشورهای اسلامی، از تشکیل یک پیمان دفاعی رسمی با ایالات متحده امریکا استقبال نمی‌کنند. رهبران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگرانی جدی دارند که چنین

اتحادی، فراتر از مسئله مشروعیت بخشیدن به حضور نیروهای امریکایی در منطقه، به منزله مداخله در امور کشورشان و زیر سؤال رفتن مشروعیت رژیم‌هایشان باشد. ضمن اینکه دولت و ملت عراق نیز بیش از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با این طرح مشکل دارند. البته این گونه اتحادیه‌ها نمی‌تواند با تهدیدات و بی‌ثباتی‌های داخلی مقابله کند. شورای همکاری خلیج فارس نیازمند الگویی برای ترتیبات امنیتی است که باعث تقویت هویت کشورهای عضو و مشروعیت بخشیدن بیشتر به حکومت‌های آنها باشد.

یکی از نگرانی‌های دولتمردان و حکام کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ضعف نظامی است که نه به دلیل کمبود تجهیزات نظامی پیشرفته، بلکه ناشی از وسعت کم سرزمینی و جمعیت اندک آن است؛ لذا پس از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، کمیته‌ای متشکل از رؤسای ارتش شش کشور، حداقل سالی دو بار جهت تصمیم‌گیری در امور همکاری دفاعی مشترک و ارتقای توان دفاعی شورا تشکیل جلسه داده است. توصیه‌های این کمیته به اجلاس سالیانه وزیران دفاع ارائه می‌شده که تعیین کننده خطوط این همکاری‌ها هستند، ولی حرف آخر و تصمیم نهایی در این زمینه بر عهده شورای عالی شورای همکاری خلیج فارس بوده است.

نقش اجرایی و پشتیبانی در این راستا توسط کمیته نظامی دبیرخانه شورا ایفاء می‌شود و زیر نظر این بخش، سه بخش فعالیت‌های مشترک، آموزش و تعلیم و نیروهای مسلح فعالیت دارند که هر یک از این بخش‌ها به سه بخش فرعی تقسیم می‌شوند، که بتوانند کلیه زمینه‌های همکاری‌های دفاعی شورا را پوشش دهند.

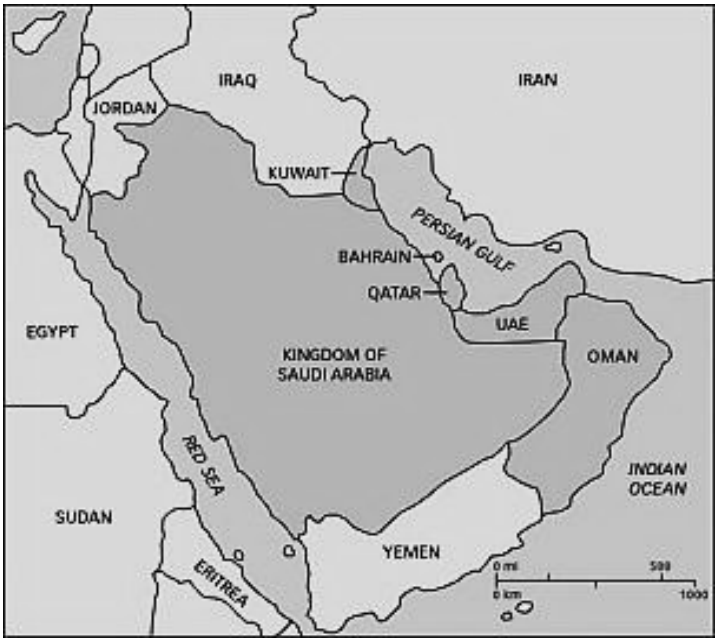

شکل۳: کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس متشکل از کویت، بحرین، قطر، عربستان سعود، امارات متحده عربی و عمان

مسئولیت حساس ارشاد معنوی بر عهده واحد ویژه‌ای است که در کویت قرار دارد و اجرای توصیه‌های مدیران ارشاد معنوی ارتش‌های شورا را پیگیری می‌کند. برنامه‌های نظامی شورا دارای اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت است. برنامه‌های بلندمدت مبتنی بر تقویت توانایی شورا به مقابله با تعرض و تخفیف وابستگی به تسلیحات، جنگ ، مشاوران و نیروهای مزدور خارجی در ارتش‌های شش کشور مبتنی. در ژانویه ۱۹۸۲ وزیران دفاع شورا موافقت کردند که برای تحقق اهداف بلندمدت خود این اقدامات را به عمل آورند:

- ✓ هماهنگی سیاست‌های خرید تسلیحات.
- ✓ توسعه صنعت نظامی.
- ✓ گسترش توان شورا در تربیت کادر نظامی.

تنوع تسلیحات به طور جدی مانع از عملیات مشترک، انتقال مهمات و لوازم یدکی می‌شود، زیرا کشورهای شورای همکاری به تسلیحات امریکایی، برزیلی، انگلیسی، چینی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، سوئیسی و روسی مجهز هستند. در ژانویه ۱۹۸۲ وزیران دفاع شورا اصل هماهنگی سیاست‌های خرید تسلیحاتی را مورد تصویب قرار دادند، ولی عقیده مبنی بر یکسان ساختن خریدهای تسلیحاتی، از سوی عربستان سعودی به دلیل اینکه شورا را به یک کشور واحد وابسته می‌سازد، رد شد. به هر حال، این سیاست به عنوان یک هدف، و نه واقعیت، همچنان باقی است.

عراق و ترتیبات امنیتی

منطقه خلیج فارس طی چند دهه گذشته با سیاست توسعه‌طلبانه صدام حسین، شاهد چندین جنگ، مناقشه و درگیری بوده است، از جمله جنگ هشت ساله عراق با ایران در دهه۱۹۸۰، جنگ دوم خلیج فارس (اشغال کویت توسط عراق و حمله امریکا به عراق برای آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۱) و آخرین جنگ امریکا علیه عراق که در سال ۲۰۰۳ منجر به سرنگونی صدام و اشغال عراق شد. یک طرف ثابت در هر سه جنگ صدام حسین بود.

فضای امنیتی منطقه خلیج فارس در۳۵ سال گذشته متأثر از فضای جنگ و وحشت بود. رژیم سابق عراق به عنوان منبع تهدید، تنش و ناامنی در شکل‌دهی به چنین اوضاعی نقش محوری داشت. آنچه مسلم است سقوط رژیمی که تهدیدی برای امنیت منطقه، عاملی برای تبدیل منطقه به رقابت‌های تسلیحاتی و توجیهی برای حضور بیگانگان بود و جایگزینی آن، رژیم یا دولتی برخاسته از رأی مردم بود، بر ترتیبات امنیتی منطقه تأثیر گذاشته است.

اگرچه ناامنی‌های داخلی عراق با ظهور طالبان همچنان باقیست و تهدید تجزیه این کشور عاملی بالقوه برای نگرانی‌های آینده این کشور محسوب می‌شود، عراق پس از صدام، حرکت به سمت تبدیل شدن به کشوری دمکراتیک را آغاز کرده است، اما از آنجا که هنوز تا رسیدن به این هدف راهی طولانی در پیش دارد، در آینده نزدیک خطر چندانی از جانب آن متوجه کشورهای خلیج فارس نخواهد بود و مسلماً یک عراق دمکراتیک نیز سعی خواهد کرد در چارچوب قواعد بازی‌های منطقی

بین‌المللی حرکت کند و به احتمال زیاد از ماجراجویی‌های سابق فاصله خواهد گرفت.

به هر حال، عراق آینده به شدت به داشتن روابط خوب با دیگر همسایگان خود در خلیج فارس نیاز دارد و در مقابل، حضورش در هرگونه ترتیبات امنیتی این منطقه ضروریست. عراق اگرچه به خاطر آنکه یک کشور عربی است، امکان پذیرش در شورای همکاری خلیج فارس را نیز دارد، اما با توجه به اکثریت شیعه در این کشور که دارای پیوندهای سنتی با ایران است و نیز ادعای تاریخی عراق در مورد کویت که می‌تواند تا سال‌های دور نیز دوام آورد و اسباب سوء ظن دائمی در مورد این کشور را حداقل برای کویت فراهم آورد، چنین احتمالی اندک به نظر می‌رسد. با توجه به خروج بیش از ۱۳۰ هزار نیروی نظامی امریکایی در عراق و پایان مداخله در امور نظامی و امنیتی این کشور، امریکا تلاش می‌کند با دولت عراق پیمان امنیتی منعقد نماید. اما داشتن پیوندهای بسیار نزدیک بین این دو کشور از میزان مشروعیت هر حکومتی در عراق خواهد کاست و عراق چاره‌ای ندارد جز اینکه امنیت پایدار خود و همچنین کسب اطمینان همیشگی از دسترسی ایمن به خلیج فارس را در ایجاد روابط امنیتی متقابل با همسایگانش جستجو کند.[۱]

پس از خروج نیروهای ائتلاف از عراق دولت‌های این کشور در حیطه اعمال حاکمیت و در نحوه تعامل با نیروهای امریکایی و گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی با چالش‌هایی مواجه است. میزان ثبات و

---

۱. جیمز راسل، «استراتژی، امنیت و جنگ در عراق : ایالات متحده و خلیج فارس در قرن ۲۱»، ترجمه پیروز ایزدی، گزارش تحلیلی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۱۳۶، خرداد ۱۳۸۵

آرامش در صحنه داخلی عراق بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور تأثیر خواهد گذاشت. گمانه‌زنی در مورد نقش عراق جدید در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس به میزان توفیق دولت در برقراری نظم و آرامش در عراق بستگی دارد.

هرچند احتمال تجزیه عراق در شرایط فعلی خیلی قوی نیست، اما محتمل است. در صورت وقوع چنین امری، شرایط امنیتی در کل منطقه تغییر خواهد کرد.[۱] تحولات امنیتی ناشی از حضور داعش در بخش‌های وسیعی از سرزمین عراق می‌تواند به وحدت ملی در این کشور کمک کند، یا آن را با سرعت بیشتری به سوی تجزیه کشور به سه بخش کردنشین، سنی و شیعه پیش ببرد که تحولات آینده آن را روشن خواهد نمود. وجود یک دولت شیعی در رأس دولت عراق و ادامه یکپارچگی این کشور، در جهت منافع ملی کشور ایران خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران

ایران در دوران پیش از انقلاب یکی از ستون‌های امنیتی منطقه در راستای تأمین منافع جهان غرب محسوب می‌شد و در الگوی سیاست واقع‌بینانه رقابتی و یا سیاست هژمونیک متکی بر اتحادیه‌های نظامی، در کنار کشورهای غربی و به ویژه امریکا قرار می‌گرفت. وجود چنین روابطی، اختلافات این کشور با کشورهای کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس و عربستان را کم‌رنگ می‌کرد، ولی پس از انقلاب اسلامی در ایران و خارج

---

۱. «نقش عراق جدید در ترتیبات منطقه‌ای خلیج فارس» ، گاهنامه تحلیل سیاست خارجی ایران و نظام بین‌الملل، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، شماره ۱۱۲، شهریور ۱۳۸۲.

شدن این کشور از اردوگاه غرب بدون وارد شدن در اردوگاه دیگر، تحریک برخی از قدرت‌ها سبب شد که اختلافات کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایران امکان بروز بیشتری یابد و وجود همین اختلافات و احساس تهدید آنها از جانب ایران، آنها را کمابیش در جریان جنگ تحمیلی در کنار عراق قرار داد.

این صف‌بندی امنیت خلیج فارس را با مخاطرات جدّی روبرو ساخت. کشورهای عرب منطقه، شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند تا از میزان تهدیدات علیه خود بکاهند. از سوی دیگر، آنها به عراق کمک مالی کردند تا در جنگ علیه ایران توفیق یابد و خطر صدور انقلاب اسلامی به این کشورها از میان برود. ایران بعد از انقلاب، سیاست مستقلی را از قطب‌های دوگانه جهانی در پیش گرفت.

بر همین اساس، منافع این کشور در تعارض با منافع هر دو قطب در خلیج فارس قرار گرفت، چرا که شوروی سابق می‌کوشید با عبور از افغانستان و سپس پاکستان خود را به خلیج فارس برساند و ایران شدیداً با این رویکرد مخالف بود و از طرف دیگر امریکا نیز در اواخر جنگ تحمیلی به یاری عراق و همچنین شورای همکاری خلیج فارس برخاسته و از هرگونه اقدام خصمانه علیه ایران دریغ نمی‌کرد.

با وجود این، تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی سابق، تهدیدات نظامی امریکا علیه ایران محدود بوده و در پوشش دفاع از کشتی‌های نفت‌کش و جریان صدور نفت از خلیج فارس صورت می‌گرفت. ولی در دهه ۱۹۹۰، با خارج شدن اتحاد شوروی از عرصه رقابت‌های بین‌المللی، تهدیدات امریکا شکل عریان‌تری به خود گرفت و این کشور در سال‌های

اخیر، با توسل به سیاست پیشگیرانه و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد، به اشغال عراق پرداخت.

امریکا با استمرار حضور خود در منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم، شرایط جدید امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است. در حال حاضر، خلیج فارس از یک طرف به خاطر حضور نیروهای امریکایی و از طرف دیگر، به دلیل چالش‌هایی که کشورهای عضو شورای همکاری، به ویژه امارات عربی متحده به آن دامن می‌زنند، برای منافع ایران از امنیت کافی برخوردار نیست. به این دلیل جمهوری اسلامی ایران نیز نگران ترتیبات امنیتی آن است و در جستجوی الگویی است که بیشترین فایده و کمترین هزینه را برای منافع ملی خود دربرداشته باشد.

ایالات متحده آمریکا

اهمیت خلیج فارس برای امنیت و هژمونی ایالات متحده

برای روشن شدن اهمیت خلیج فارس برای سیاست خارجی واشینگتن بهتر است این موضوع را با سخنان جیمی کارتر رییس جمهور وقت آمریکا در کنگره این کشور آغاز نماییم:

> بگذارید موضع خودمان را کاملاً روشن کنیم: هرگونه کوششی به وسیله هر قدرت خارجی به منظور تحت کنترل در آوردن منطقه خلیج‌فارس به منزله حمله به منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا محسوب شده و چنین حمله‌ای با استفاده از وسایل لازم و از جمله نیروی نظامی دفع خواهد شد[۱]

این سیاست از آن زمان نه تنها تضعیف نشده بلکه تقویت گردیده و چند جنگ فراگیر در خلیج فارس شاهد تداوم و اعمال چنین سیاستی است. منطقه خلیج‌فارس، بخش استراتژیکی مهم خاورمیانه است؛ کانون استراتژیکی که آسیا، آفریقا و اروپا را به یکدیگر متصل می‌کند. در چند دهه گذشته، ایالات‌متحده با دفاع از منافع وسیع خود در منطقه و حمایت از متحدین خود سعی نمود که منافع کلان خود را در خاورمیانه تأمین نموده و از تمام اهرم‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی استفاده نماید. بدیهی است ایالات متحده آمریکا به عنوان یك کشور مداخله‌گر، مناطق مهم و راهبردی دنیا ازجمله منطقه خلیج‌فارس را منطقه نفوذ و حیاتی خود می‌داند و این منطقه را مرکز ثقل استراتژی‌های خود دانسته و راهبردهای مهمی را در این منطقه دنبال می‌کند.

---

۱. جیمی کارتر ، ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ ، کنگره آمریکا.

نکته مهم در شناخت و تحلیل استراتژی آمریکا در خلیج‌فارس، در نظر داشتن تحولات جهانی و منطقه‌ای، روش‌ها، ابزارها و نگرش‌های تازه حاکم بر کاخ سفید، به ویژه پس از تحولات ۱۱ سپتامبر است. در چنین روندی، مسائل مهم منطقه از جمله اسلام‌گرایی، تروریسم، ترتیبات امنیت منطقه‌ای، صدور انرژی و آینده رژیم‌های متحد و یا رقیب آمریکا در کرانه‌های خلیج‌فارس، نه تنها از همدیگر مجزا تلقی نمی‌شوند، بلکه این پدیده‌ها با یکدیگر کاملا مرتبط انگاشته شده و بر همین اساس در چارچوبی به هم پیوسته به آن‌ها پرداخته می‌شود. بدین لحاظ، نقش کاخ سفید در تأمین منافع خود در خلیج فارس ـ همانند دیگر نقاط جهان ـ بازیگردانی است نه بازیگری. واشینگتن به جای بازیگری، می‌کوشد قواعد بازی را ترسیم کند. ایفای نقش بازیگردان، مستلزم شناخت دقیق محیط بازی و موقعیت یکایك بازیگران و نسبت سنجی آنان با یکدیگر و نیز بازتعریف مداوم فرصت‌ها و تهدیدات است. طبعاً امکان دارد برخی اهداف و منافع با سایر بازیگران هم‌پوشانی و یا برخورد داشته باشد.[۱]

پایگاه های نظامی آمریکا دربرخی کشورهای عرب

وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در برخی کشورها نظیر عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و بحرین و آموزش‌ها و تمرین‌های نظامی مشترک با این کشورها به عنوان استعمار نوین و راهی برای کنترل بیشتر آمریکا بر منافع نفتی تعبیر می‌شود. اعتقاد بر این است که این استعمار جدید به دنبال کنترل امور سیاسی و اقتصادی اعراب به منظور استیلای آمریکا بر خاومیانه است. آمریکا از پایگاه‌هایش در جهان عرب در

---

۱. بررسی دکترین استراتژیک آمریکا در خلیج فارس - مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مواقع ضروری نظیر جنگ افغانستان، تحمیل منطقه پرواز ممنوع در جنوب عراق و سپس اشغال عراق استفاده می‌کند.

پس از اشغال کویت توسط نیروهای عراقی در سال ۱۹۹۲ آمریکا به بهانه خارج کردن عراق از کویت، نیروهای خود را به طور گسترده عازم خلیج فارس کرد و در سال ۱۹۹۱ جنگی برپا شد که آمریکایی‌ها ظاهراً آگاهانه از خاتمه قطعی آن خودداری کردند و به این ترتیب آمریکا پس از جنگ خلیج فارس با حفظ نیروهای خود در منطقه سعی کرد تا بیش از پیش جای پای خویش را محکم کند.

نگاهی کوتاه به آمار تجهیزات و امکانات پایگاه‌های مستقر در خلیج فارس عمق اهمیت استراتژیک این مناطق را در سیاست‌های برتری جویانه آمریکا آشکار می‌سازد. آمریکا در منطقه دارای حداقل ۲۰ پایگاه نظامی با تجهیزاتی شامل ۵۰۰ دستگاه تانک و خودروهای زرهی، سه واحد آتشبار موشک پاتریوت، ۲۵ فروند ناوشکن، رزمناو و ناو هواپیمابر و حدود۶۰۰ فروند هواپیما و هلی‌کوپتر جنگی، جاسوسی، شناسایی، سوخت‌رسان و حمل و نقل است. این پایگاه‌های نظامی در عربستان، قطر، بحرین، امارات متحده عربی،عمان و کویت مستقر هستند.

نفوذ و سلطه آمریکا در منطقه بعد از بحران کویت مستحکم‌تر شد. کشورهای عربی روابط خوبی با آمریکا دارند و به رغم مخالفت عموم مردم، آمریکا را حامی خود می‌دانند فقط عراق است که آشکارا با آمریکا مخالفت می‌کند.

حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و تاثیر آن بر کشورهای عربی منطقه[۱]

علت اصلی مداخله‌گری ایالات متحده در مناطق و حوزه‌های مختلف نظام بین‌الملل را باید ناشی از سلطه جویی و هژمونی طلبی آن کشور در برخورد با موضوعات سیاست بین الملل و بازیگران موثر در آن دانست. یکی از عمده‌ترین شاخصه‌های مداخله‌گری آمریکا را می توان به کارگیری نیروهای نظامی برای تاثیرگذاری در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی توسط ایالات متحده از دهه ۱۹۹۰ به بعد دانست. جنگ دوم خلیج فارس چنین شرایطی را برای آمریکا به گونه‌ای فراهم آورد که در راستای آن واحدهای نظامی سایر کشورها نیز تحت نظارت و فرماندهی نیروهای آمریکایی عمل می‌کردند.[۲]

بعد از بحران خلیج فارس کشورهای عربی منطقه به این جمع‌بندی کلی و فراگیر رسیده‌اند که حضور کشوری مسلط و قوی در منطقه برای جلوگیری از بی‌ثباتی و بحران‌های منطقه‌ای اجتناب ناپذیراست. زیرا آسیب‌پذیری آن‌ها از خلا امنیتی در منطقه بیشتر است. این کشورها آمادگی لازم را برای همکاری امنیتی با ایالات متحده و نیز تأمین تسلیحات و هزینه‌های موثر برای تداوم حضور نظامی آمریکا دارند و با این کشور همکاری می‌کنند.[۳]

---

۱. درویشی فرهاد حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و تاثیر آن بر کشورهای عربی منطقه

۲. متقی، ابراهیم.(۱۳۷٦)،تحولات سیاسات خارجی آمریکا ،مداخله گری وگسترش .(۱۹۹۷-۱۹٤٥) تهران :مرکزاسناد انقلاب اسلامی ص ۱۹٦

۳. اسدیان،امیر.(۱۳۸۱) سیاست امنیتی آمریکا درخلیج فارس ، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی ص۱۷۹

از زمان اشغال کویت توسط عراق حضور نظامی آمریکا در منطقه وابستگی کشورهای عربی از لحاظ تسلیحاتی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و استراتژیک به آمریکا و همچنین بحران مشروعیت در این کشورها را به دنبال داشته است که در زیر به آنها پرداخته می‌شود:

کارایی نداشتن بعضی از رهبران کشورهای عربی منطقه، دور بودن آنان از نخبگان و روشنفکران، حکومت‌های اقتدارگرایی فردی، سلطنتی و خانوادگی و حتی قبیله‌ای این نظام‌های سیاسی را دچار بحران مشروعیت ساخته است. این بحران سبب شکنندگی داخلی شده که بر اثر آن این کشورها به قدرت‌های بیگانه متکی می‌شوند و بدین ترتیب حضور بیگانگان در منطقه توجیه می‌شود.[۱]

در حال حاضر کشورهای منطقه هر یک به لحاظ اینکه از نظر مشروعیت حکومتی در نزد افکار عمومی مردم خود جایگاه و پایگاه مناسبی ندارند و حاکمان این کشورها با زور مسند قدرت قرار گرفته‌اند. تنها راه ادامه حیات سیاسی خود را وابستگی به غرب به خصوص آمریکا می‌دانند و به این دلیل هم سعی دارند در گسترش روابط با آمریکا از یکدیگر پیشی بگیرند و به جای تکیه بر اراده‌های ملی خود بر حمایت آمریکا تکیه داشته و دارند که این امر در بلند مدت موجب ایجاد قوای قهریه مبارزه با آمریکا و این دولت‌ها در منطقه شده است. [۲]

حضور نیروهای نظامی خارجی در منطقه خاورمیانه به خصوص در حوزه خلیج فارس در سطح مردمی بر بنیانی متزلزل استوار است.

---

۱. ذوالفقاری،مهدی.(۱۳۸٦)،"ژئوپولیتیک خلیج فارس ص٤

۲. مومني،میرقاسم.(۱۳۷۸)"حضور ؛آمریکا در خلیج فارس،اهداف و روندها"مربوط به کتاب خاورمیانه ویژه خلیج فارس،تهران وزارت امور خارجه

جریان‌های سیاسی ملی، چپ و دینی غالب در منطقه این حضور نظامی را حضوری بیگانه می‌دانند که خطرات بسیاری برای امنیت منطقه و به خصوص امنیت کشورهای عربی به همراه دارد. [۱]

آمریکا از برخی رژیم مستبد عرب که در میان مردم خود نامحبوبند حمایت می‌کند. ایالات متحده این رژیم‌ها را با مقدار زیادی از کمک‌های اقتصادی و نظامی حمایت می‌کند که سبب بقای قدرت در آن‌ها می‌شود. احساسات ضدغربی در جهان عرب عمدتاً نارضایتی اعراب از حکومت‌هایشان را آشکار می‌سازد او اعتقاد دارد که اعراب دولت‌هایشان را بسیار فاسد و مستبد می‌بینند به دلیل آنکه آمریکا سالانه میلیون‌ها دلار به این رژیم‌های عرب کمک می‌کند و نظرجمعی این است که آنان را نوکر آمریکا می‌دانند. [۲]

طبق برنامه محاسبات و برآوردهای دقیق، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس ضروری است و از آن استقبال شده است. دخالت ایالات متحده درمنطقه، با توجه به پایان دوران دوقطبی، اجتناب ناپذیر تضمین ثبات سیاسی و حفظ رژیم‌های منطقه است هر یک از کشورهای عربی منطقه به مساله حضور نظامی آمریکا، به گونه‌ای متفاوت می‌نگرد و سطح روابط دو جانبه این کشورها با ایالات متحده نیز متفاوت است.

از میان کشورهای عربی منطقه، کویت، بیشترین حمایت را ازحضور نظامی آمریکا در منطقه به عمل می‌آورد. کویت از شرایط موافقتنامه همکاری‌های دفاعی با آمریکا بسیارخرسند است. و از زمان جنگ

---

۱. همان ص ۱۳۰

۲. عبدالله ،عبدالمهدی.(۱۳۸۷)،"آمریکا ستیزی درجهان عرب ص۲

خلیج‌فارس در امور دفاعی خود بسیار جدی است و در طول دهه گذشته ایالات متحده بالغ بر شش میلیارد دلار تجهیزات نظامی به این کشور فروخته است. افزون بر این کویت بخش عمده‌ای از هزینه‌های مالی ناشی از حضور نظامی آمریکا در این کشور را می‌پردازد. (همان ، ۷٤). روابط دو جانبه کویت و آمریکا از جمله حضور نسبتاً مشهود و عملی نظامی ایالات متحده در این کشور، مبتنی برمنافع حیاتی متقابل است و کویت به شیوه عملی از کمک‌های آمریکا و حضور نظامی آن در منطقه استقبال می‌کند.

امارات متحده عربی، در سیاست‌های خود در قبال کاخ سفید و حضور نیروهای آمریکایی درخلیج فارس بسیار محتاطانه عمل می‌کند. البته از دیدگاه‌های احتیاط آمیز امارات در قبال آمریکا نباید چنین برداشت شود که روابط دوجانبه دارای مشکل است. زمینه‌های بسیاری برای همکاری، به ویژه درمسائل بازرگانی وجود دارد زیرا امارات متحده عربی یکی از ۱۰ مرکز اصلی بازار کالاهای آمریکایی است. قرارداد خرید ۸۰ فروند جت جنگده از شرکت کهید مارتین بزرگترین خرید تسلیحاتی این کشور تا کنون شمرده می‌شود یکی دیگر از عوامل بالقوه در روابط ایالات متحده با امارات متحده عربی موافقت نامه‌های همکاری‌های دفاعی بین دو کشور است.

عربستان سعودی بی تردید مهم‌ترین کشورخلیج فارس برای تامین منافع سیاسی آمریکا است و ایالات متحده روابط امنیتی طولانی با آن دارد. هیات آموزش‌های نظامی آمریکا با ارتش عربستان سعودی همکاری بسیار نزدیکی دارد و تقریبا به بخشی از وزارت دفاع و هوانوردی عربستان تبدیل شده است. عربستان برای آموزش نیروهای نظامی خود، از برنامه آموزشی نظامیان آمریکایی استفاده می‌کند.

سه کشور دیگر عرب یعنی عمان، قطر و بحرین به شدت از حضور نظامی آمریکا در کشورشان حمایت می‌کنند. بر اساس موافقت نامه‌ای که میان عمان و ایالات متحده به امضا رسیده و ناوگان نظامی آمریکا حق حضور و استفاده از امکانات این کشور را پیدا کرده است، سالانه مبلغ ۵۰ میلیون دلار نصیب عمان می‌شود.

عمان از حضور نظامی ایالات متحده و برقراری روابط با آن به عنوان اقدامی آینده نگرانه برای قرار گرفتن زیر چتر امنیتی آمریکا و بهره‌بردن مالی و فناورانه. (مدرن سازی ارتش) سود می‌جوید.

سیاست‌های بحرین و قطر درباره روابط با ایالات متحده شفاف‌تر است. بحرین به عنوان کشوری که تقریباً هیچ گونه منابع نفتی ندارد، کوشیده است به مرکز بانکداری در منطقه پایگاه گردشگری تبدیل شود. بحرین در استمرار حضور نظامی آمریکا بر اساس موافقت‌نامه همکاری‌های دفاعی، منافع گسترده‌ای دارد هر چند که ترجیح می‌دهد ارتباطاتش با ایالات متحده علنی نشود.

به علاوه وابسته نظامی آمریکا دردوحه - پایتخت قطر- ابرازمی دارد: موافقت نامه همکاری‌های دفاعی آمریکا و قطر بهترین نمونه‌ای است که تاکنون من درباره توافقات و روابط آمریکا با دیگر کشورها دیده‌ام از دیدگاه امنیتی ایران مهم‌ترین عامل تهدید کننده این کشور است به همین دلیل از حضور نظامی آمریکا بسیار استقبال می‌کند و حتی خواستار حضور و نمود بیشتر آنان است. [۱]

---

۱. حجار،سامی.(۱۳۸۱) آمریکادرخلیج فارس؛ چالش ها وچشم اندازها ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: ابرار معاصر صفحات متعدد

برآورد منطقه‌ای که در سطور پیشین شرح آن رفت، نشان می‌دهد که رویکرد کشورهای خلیج فارس به روابط خود با ایالات متحده، با یکدیگر متفاوت است. ولی دولت‌های منطقه معتقدند حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس سپر امنیتی مهمی محسوب می‌شود. در عین حال حضور نظامی آمریکا باعث وابستگی کشورهای عرب منطقه به این کشور شده است و می تواند مشروعیت رژیم‌های منطقه را باچالش روبه‌رو سازد. به طور کلی می‌توان گفت رشد هژمونیک گرایی آمریکا بعد از بحران خلیج فارس (حمله عراق به کویت) منجر به وابستگی کشورهای عربی به ایالات متحده آمریکا و کاهش مقبولیت ملی آن‌ها شده است.

نتیجه گیری

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خاص خود در طول تاریخ همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه‌ای بوده است. منطقه این موقعیت استراتژیکی را در اثر ثروت‌های سرشار نفت که تاثیر عمیقی بر اقتصاد و جهان دارد موقعیت راهبردی یعنی نقطه استراتژیکی که آسیا و آفریقا را به یکدیگر وصل می‌کند و همچنین به عنوان یکی از بزرگترین بازارهای صدور کالا و تسلیحات نظامی به دست آورده است.

خلیج فارس به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی از حساس‌ترین و با اهمیت‌ترین مناطق جهان است. این اهمیت تا حد زیادی ریشه در کشف نفت و رقابت ابرقدرت‌ها دارد، به گونه‌ای که می‌توان میان هژمونی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و منافع این کشور در خلیج فارس ارتباط مستقیمی برقرار کرد. آمریکا در خلیج فارس چند نوع منافع دارد که گاه این منافع با یکدیگر همپوشانی می‌کنند منافع ثابت این کشور

در خلیج فارس تامین نفت اقتصاد دنیای صنعتی است. حفظ امنیت اسرائیل جلوگیری از ظهور قدرتی منطقه‌ای و حفظ ساختار محافظه‌کار کشورهای حاشیه خلیج‌فارس از مواردی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم به منافع جهانی و منطقه‌ای آمریکا مربوط می‌شود. به طور کلی آمریکا در خلیج فارس از سال‌های ۲۰۰۸ به این سو اهداف زیر را تعقیب می‌کند:

۱- استمرار جریان نفت به آمریکا و متحدانش
۲- حفظ ثبات منطقه‌ای
۳- حفظ امنیت اسرائیل و دیگر کشورهای دوست منطقه
٤- جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی
٥- جنگ با تروریسم و خشکاندن ریشه‌های آن
٦- حمایت ازحقوق بشر و گسترش دموکراسی.[1]

---

۱. این هدف واشنگتن گزینشی و عمدتاً در جهت اهداف سیاسی آمریکا و فشار بر کشورهای بیطرف دنبال می شود تا توسع واقعی دموکراسی

صحنه نبرد در دریا

بر اساس قوانین بین‌المللی در صورت وقوع جنگ مسلحانه بین دو یا چند کشور، آبراه‌ها و آب‌های بین‌المللی علاوه بر آب‌های سرزمینی می‌توانند برای انهدام شناورهای نظامی یا تجاری دشمن و یا محاصره دریایی کشور متخاصم مورد بهره‌برداری طرفین درگیری قرار گیرند.

موقعیت راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز و دسترسی آسان به آب‌های آزاد و دریاهای دور از طریق بنادر و جزایر واقع در خلیج فارس و دریای عمان این مزیت را برای نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده بود که در تمام طول جنگ تحمیلی ضمن محروم نمودن عراق از دستیابی به آب‌های آزاد، شناورهای خودی با سهولت و قدرت تمام از این موقعیت جهت تداوم مطمئن و مستمر جریان کالا و سوخت و مهمات برای پشتیبانی از ادامه جنگ استفاده نمایند.

در این میان کنترل و اشرافیت کامل نیروی دریایی بر خلیج فارس و تنگه هرمز موقعیتی کلیدی برای محاصره دریایی عراق ایجاد نموده بود و دریای عمان به دلیل عدم توانایی یگان‌های شناور عراق در عبور از تنگه هرمز، اگرچه صحنه نبرد دریایی بین دو کشور نبود، اما بندر چابهار در منتهی‌الیه مرز آبی ایران، موقعیت امنی را برای تجارت مستمر و مطمئن ایران با سایر نقاط جهان به وجود آورده بود.

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به منظور برقراری محاصره دریایی عراق با هدف ممانعت از تجارت این کشور با سایر کشورهای جهان از طریق آب‌های آزاد و همچنین امکان پدافند مناسب از بنادر، جزایر و تأسیسات نفت و گاز در خلیج فارس و ایجاد امنیت کامل برای تجارت آزاد کشور و به ویژه امکان صادرات نفت ایران به صورت مستمر و روزانه به سایر کشورها اقدام به ایجاد یک منطقه جنگی در خلیج فارس می‌نماید.

اعلام این منطقه جنگی به طور کامل منطبق بر قوانین بین‌المللی ناظر بر مناطق جنگی در دریا در دوران تخاصم نظامی بین کشورها بوده و ضمن تأمین امنیت و منافع خودی در دریا، کشتیرانی آزاد برای سایر کشورهای منطقه و جهان در این آبراه حساس و حیاتی را تأمین می‌نمود.

این منطقه جنگی در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به صورت رسمی اعلام شد و آب‌های خلیج فارس را، در محدوده بین سواحل شمالی ایران و خطوطی که نقاط بین ۱۲ مایلی جنوب جزایر ابوموسی و سیری را به جنوب چراغ دریایی کیبل بنک [۱] و ۱۲ مایلی جنوب شرقی جزیره فارسی متصل می‌کرد، دربرمی‌گرفت. این جزایر جنوبی‌ترین جزایر ایرانی خلیج فارس می‌باشند و محدوده بین آنها و سواحل ایران به دلایل کاملاً مشخصی محدوده جنگی اعلام و مورد اعتراض جدی کشور و یا نهاد بین‌المللی قرار نگرفت.[۲]

متن کامل اطلاعیه که به درخواست ستاد نیروی دریایی ارتش از اداره سوم ستاد مشترک درخواست شده بود به شرح زیر است

«با توجه به تجاوزات عراق به ایران اسلامی، بدینوسیله کلیه مرزهای آبی نزدیک سواحل ایران، منطقه جنگی اعلام می‌شود و کشور ایران اجازه حمل کالا به بنادر عراق را به هیچ یک از کشتی‌ها نخواهد داد. برای امنیت کشتی‌رانی در خلیج فارس اعلام می‌دارد مسیرهای زیر می‌بایستی رعایت گردد. کشتی‌ها پس از عبور از تنگه هرمز، مسیر خود را طوری تغییر دهند که از ۱۲ مایلی جنوب جزیره ابوموسی، ۱۲ مایلی جنوب جزیره سیری، جنوب چراغ دریایی کیبل بنک و از ۱۲ مایلی جنوب‌غربی

---

۱. Cable Bank Light

۲. نگاه کنید به اطلاعیه دریانوردان به شماره ۱۷/۵۹منتشره در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

جزیره فارسی عبور نمایند. کشور ایران تعهدی در برابر سرپیچی کنندگان از این اعلامیه نخواهد داشت.»

همان گونه که در متن این اعلامیه مشخص شده است، نیروی دریایی ارتش، برای کشتی‌رانی بین‌المللی در تنگه هرمز هیچ‌گونه محدودیت و خطری به استثنای کشور عراق که با ایران در جنگ بود، ایجاد نکرد و بر اساس حقوق بین‌الملل دریایی، تمامی کشتی‌ها می‌توانستند آزادانه به بنادر سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که با ایران در جنگ نبودند، تردد کنند.

جمهوری اسلامی ایران برای روشن شدن افکار عمومی جهان مجدداً در ۲۰ مهر ۱۳۵۹ به طور رسمی تعهد خود مبنی بر باز نگاه داشتن تنگه هرمز بر روی کشتیرانی بین‌المللی را مورد تأکید قرار داد.[۱]

با توجه به استقرار ناوچه‌های موشک‌انداز نیروی دریایی در شمال‌غربی خلیج فارس و همچنین اجرای گشت‌های دریایی در جنوب‌شرقی جزیره بوبیان، به منظور کنترل و مراقبت از ترددهای دریایی از دهانه خورعبداله با هدف جلوگیری از عزیمت کشتی‌ها به بندر ام‌القصر عراق، اطلاعیه دیگری برای هشدار به کلیه شرکت‌های کشتی‌رانی که قصد عزیمت به بندر ام‌القصر داشتند، صادر و منتشر شد که ضمیمه اعلامیه قبلی بود و مسیر تردد کشتی‌های تجارتی را در شمال‌غربی خلیج فارس تا نقطه مشخص‌شده در شمال‌شرقی جزیره بوبیان محدود می‌کرد. به این ترتیب، خور عبداله «مسدود» اعلام شد. متن اعلامیه مذکور به شرح ذیل بود:

---

۱. نامه رسمی وزیر امورخارجه ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد . سند شماره S/14/226

«نظر به وجود مخاطرات بالقوه در شمال‌غربی خلیج فارس، کشتی‌های تجارتی که عازم بنادر ایران نیستند، موظف به رعایت این دستورات که مکمل اعلامیه دریایی به شماره ۱۷/۵۹ است، می‌باشند. این دستورالعمل صرفاً به منظور تضمین ایمنی و امنیت کشتی‌رانی تجارتی در منطقه می‌باشد:

۱. پس از رسیدن به ۱۲ مایلی جنوب جزیره فارسی، کشتی‌ها بایستی در غرب محوری که نقطه ۲۷۵۵ شمالی و ٤۹۵۳ شرقی را به نقطه ۲۹۱۰ شمالی و ٤۹۱۲ شرقی وصل می‌کند، عبور نمایند.

۲. تا محدوده محور ٤۸٤۰ شرقی، تمامی کشتی‌ها موظفند در جنوب محور ۲۹۱۰ شمالی دریانوردی کنند. کشتی‌هایی که به مقصد کویت در حرکت هستند و از محور ٤۸٤۰ شرقی عبور کردند، می‌توانند در جهت شمال به سوی کویت دریانوردی کنند.

کشتی‌هایی که به مقصد بنادر ایران [در حرکت] می‌باشند، طبق اعلامیه دریایی شماره ۲۲/۵۹ ایران عمل خواهند نمود. عدم توجه به دستورات مذکور ممکن است مانع عبور آزاد کشتی‌ها و به مخاطره افتادن امنیت آنها شود که در آن صورت، مقامات ایرانی هیچ‌گونه مسئولیتی را پذیرا نخواهند بود.»[1]

---

۱. در همین رابطه ناوچه موشک‌انداز پیکان که در هجدهم مهرماه ۱۳۵۹، مأموریت گشت و کنترل راه‌های دریایی مواصلاتی دشمن و دهانه خور عبداله را بر عهده داشت، یک فروند کشتی تجاری که قصد ورود به خور عبداله را داشته و به اخطارهای این ناوچه بی‌توجه بود، مورد حمله قرار داد و صدماتی به آن وارد کرد.

گزارش نیروی رزمی ٤۲۱ به فرماندهی نیروی دریایی در این خصوص به شرح زیر ارسال شد:

- در اجرای طرح آفندی بهروز و به منظور محروم کردن دولت متجاوز عراق از تسهیلات و تجارت دریایی و بندری خود، در عملیاتی با مشارکت یک فروند ناوچه موشک‌انداز و یک فروند

منطقه جنگی ایران مشابه منطقه جنگی‌ای بود که توسط ژاپن، طی جنگ با روسیه در سال ۱۹۰٤ به منظور دور نگه داشتن کشتیرانی بین‌المللی از سواحل ژاپن، به عرض ۱۰ مایل ایجاد شده بود.[1] منطقه مزبور، با مناطقی که هم در جنگ‌های بین‌المللی و هم در جنگ فالکند و نیز منطقه‌ای که توسط عراق در ۷ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۵ مهرماه ۱۳۵۹) ایجاد شده، تفاوت داشت.[2] در این موارد هر کشتی‌ای که اقدام به ورود به آن مناطق را (که معمولاً مناطق ممنوعه نامیده می‌شوند) می‌کرد، به خودی خود به عنوان کشتی دشمن و متجاوز تلقی شده و سزاوار حمله بدون اخطار قبلی می‌بود. ایجاد چنین منطقه‌ای، عملی غیرقانونی و مغایر با اصل آزادی کشتیرانی بوده و با مفهوم بی‌طرفی در تعارض است. در این رابطه نظر مثبت منابع خارجی آمده است.

«تا آنجا که منطقه جنگی اعلام شده هدفش تضمین امنیت در آب‌های نزدیك سرزمین ایران می‌باشد، این امر نیز از نظر حقوقی قابل اعتراض نیست.» به واقع «اهداف دفاعی ایران در اعمال محدودیت نسبت به مناطق نزدیك ساحل خود، و مداخلهٔ محدودش در خطوط کشتیرانی

بالگرد هوادریا، یک فروند کشتی تجاری که در دهانه ورودی خور عبداله دیده شد، در ساعت ۱٦:٤٥ امروز (۵۹/۷/۱۸) توسط توپخانه ناوچه پیکان مورد حمله قرار گرفت و صدمات زیادی به آن وارد شد.

- پیشنهاد می‌شود یک بار دیگر در رسانه‌های جمعی اعلام گردد دولت ایران در بستن راه‌های دریایی کشور متجاوز عراق مصمم است و از هرگونه تردد کشتی‌های تجاری به بنادر عراق جلوگیری خواهد نمود.

«مستخرج از مدارک موجود در بایگانی سوابق جنگ تحمیلی نداجا.»

1. See: Rlj. Dupuy - D. Vignes (eds), Traite du nouveau droit de la mer (1985), p.1099

2. See: R.Leckon, "The Iran-Iraq onflict in the Gulf: the Law of War Zones", International and

بین‌المللی هم، به این نظریه منتهی می‌شود که اقدامات ایران معقول بوده و لذا تحت چنین شرایطی قابل توجیه است.»

به دلایل کاملاً مشخصی شمال خلیج فارس منطقه اصلی درگیری نظامی بین ایران و عراق بود. اگرچه تمامی خلیج فارس و دریای عمان برای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی صحنه نبرد دریایی محسوب می‌گردید، اما صرف نظر از دلایل تاکتیکی و راهبردی صحنه نبرد دریایی با عراق، باید اذعان داشت که این منطقه (شمال خلیج فارس) پس از تنگه هرمز مهم‌ترین بخش خلیج فارس محسوب می‌شد.

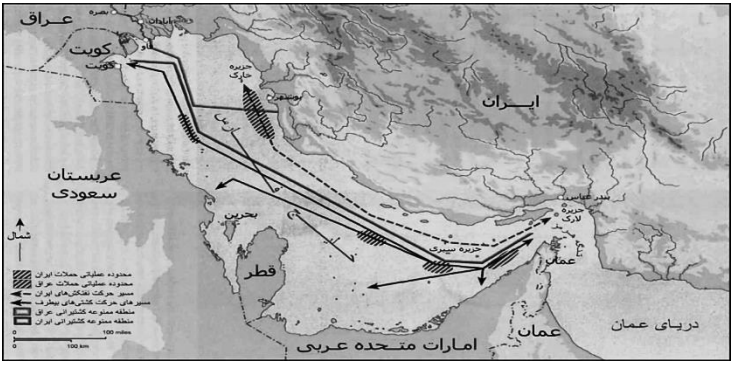

شکل۴: محدوده منطقه جنگی اعلام شده از طرف نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

شمال‌غربی خلیج فارس اگرچه منطقه‌ای کوچک به شمار می‌آید، اما دارای اهمیت راهبردی بسیار بالایی است. اینجا منطقه‌ای است که دو قدرت بزرگ خلیج فارس، یعنی ایران و عربستان را از یکدیگر جدا می‌نماید. در عین حال محل حضور دو کشور نه چندان دوست کویت و عراق است، جنوب عراق متشکل از رودخانه‌ها، نهرها و هورهایی است که به شط‌العرب و نهایتاً خلیج فارس می‌ریزد.

با وجود این عراق تنها دارای یک ساحل ۵۸کیلومتری در کنار آبهای خلیج فارس بوده و دو کانال آب قابل کشتیرانی این سواحل را به خلیج فارس پیوند می‌دهند.[۱] کویت یکی از این دو کانال قابل کشتیرانی، یعنی خور عبداله را که تنها مسیر دسترسی به بندر ام‌القصر است و در پهن‌ترین نقطه خود تنها دارای ۱۰ کیلومتر عرض است، به راحتی کنترل می‌نماید و بعد از پایان جنگ عراق و کویت در صدد ساخت بنادر عظیمی در این مناطق دریایی هستند.[۲]

محدوده جنگ دریایی ایران و عراق عمدتاً در شمال‌غرب خلیج فارس متمرکز بود. از آنجا که عراق فاقد سواحل و جزایر راهبردی در خلیج فارس است، تنها می‌توانست از دو بندر عمده بصره و ام قصر(ام‌القصر) برای مقاصد نظامی استفاده نماید. البته در طول اروندرود بنادر کوچک دیگری نیز مانند فاو می‌توانستند برای عملیات نظامی مورد استفاده قرار گیرند. اما به دلیل اشرافیت ایران بر اروندرود و بسته شدن این آبراه مهم و راهبردی که نقش مهمی در تأمین تجارت خارجی عراق ایفا می‌کند، تمام بنادر این مسیر از جمله بندر مهم و تاریخی بصره از ابتدای جنگ عملاً مسدود شدند و وضعیت آنها تا پایان جنگ به همین ترتیب باقی ماند. بنابراین تنها بندر مهمی که تمام عملیات نیروی دریایی عراق از آنجا هدایت و اجرا می‌گردید، بندر ام‌قصر بود. این بندر که در مجاورت خور زبیر واقع شده است، از طریق خور عبداله به خلیج فارس راه دارد و عمده

---

۱. دو آبراهی که عراق را به خلیج فارس پیوند می‌دهند اروندرود و خور عبداله می‌باشند که به ترتیب بصره و ام‌قصر را به خلیج فارس متصل می‌نمایند. هردو آبراه در برابر تهاجمات ساحلی از طرف کشورهای ایران و کویت دارای موقعیتی آسیب‌پذیر هستند.

2. Geopolitics of Northwestern Persian Gulf, Stratford Global Intelligence Oct 19 2012

تجهیزات نیروی دریایی عراق را در خود جا داده و به شدت با سیستم‌های پدافند هوایی متراکم و چند لایه و بهره‌گیری از پایگاه‌های هوایی مجاور آن در برابر حملات هوایی ایران محافظت می‌شد.

البته در طول جنگ این بندر چند بار مورد حمله جنگنده بمب‌افکن‌های نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و بخش‌هایی از اسکله و تأسیسات و یگان‌های شناور مستقر در آن منهدم شدند. اما مجدداً در طول جنگ بازسازی شد. مهم‌ترین تاکتیک نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران بیرون کشاندن یگان‌های شناور به ویژه ناوچه‌های عراقی از بندر ام‌قصر به داخل خلیج فارس و سپس انهدام آنها در یک عملیات مشترک هوایی/ دریایی بود.

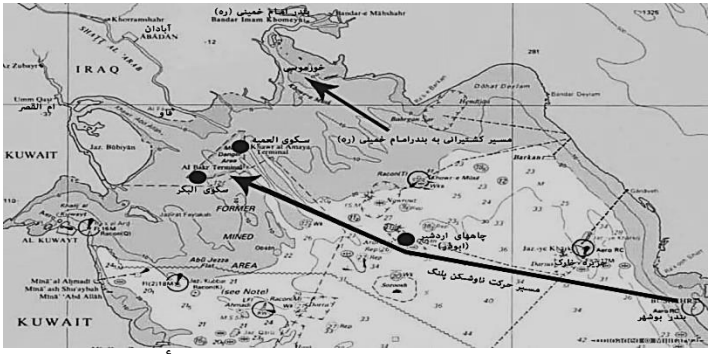

شکل۴: نقشه دریایی شمال خلیج فارس. علاوه بر انهدام تأسیسات صدور نفت عراق در پایانه‌های البکر و الامیه در عملیات مروارید، به علت پوشش هوایی مناسب و ضعف نیروی دریایی عراق ناوشکن‌های نیروی دریایی چندین بار این دو پایانه را مورد حملات موشکی و توپخانه قرار دادند. در نقشه فوق مسیر ناوشکن پلنگ برای اجرای آتش بر روی پایانه‌های یادشده در مورخه ۱۵ اسفند ۱۳۵۹مشخص شده است.[۱]

۱. نقشه مورد استفاده بر گرفته از درگاه Military.ir با موضوع اولین عملیات ناوشکن پلنگ در جنگ تحمیلی

در ابتدای جنگ که یگان‌های شناور نیروی دریایی از پشتیبانی قدرتمند نیروی هوایی برخوردار بودند، حتی تا دهانه و داخل خور عبداله نیز پیش می‌رفتند تا با تحریک یگان‌های عراقی آنها را بیرون کشیده و منهدم نمایند. یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های نیروی دریایی جمهوری اسلامی در اوایل جنگ به عملیات غافلگیرانه ناوچه‌های موشک‌انداز عراقی علیه بنادر خودی، مشابه آنچه ناوچه‌های موشک‌انداز هندی علیه بندر کراچی در سال ۱۹۷۱ انجام دادند، بازمی‌گشت.[۱] این امکان وجود داشت که ناوچه های عراقی با استفاده از تاریکی شب و از طریق سواحل کشورهای عرب خلیج فارس مانند کویت، عربستان و امارات خود را به سواحل ایران نزدیک کرده و سپس با قرار گرفتن در مسیر کشتیرانی بین‌المللی، وارد آب‌های ایران شده و بنادر مهمی چون بندرعباس و بوشهر و یا بندر امام خمینی و همچنین تأسیسات وسیع نفت و گاز ایران در خلیج فارس را مورد حمله قرار دهند. برای جلوگیری از چنین اقدامی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تمام جزایر و سکوهای نفتی خودی در خلیج فارس زنجیره یکپارچه و مطمئنی را برای مراقبت و شناسایی هرگونه تحرک یگان‌های عراقی تشکیل داد.

این ایستگاه‌های مراقبت عمدتاً به رادارهای سطحی مجهز بوده و قادر به شناسایی اهدافی تا ۳۰ الی ٤٠ مایلی اطراف خود بودند. به علاوه گشت‌های مستمر هوایی در طول روز برای شناسایی تحرکات احتمالی

---

۱. در جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱، تعدادی ناوچه کلاس اوزای نیروی دریایی هند با اختفای کامل و با استفاده از اصل غافلگیری، در دو مرحله در شب‌های ۵ و ۹ دسامبر به بندر کراچی نزدیک شده و با شلیک ده‌ها فروند موشک استیکس بخش مهمی از نیروی دریایی پاکستان، تعداد زیادی کشتی‌های تجاری و مخازن سوخت را در کنار اسکله های این بندر نابود کرده و خسارات فراوانی به کراچی وارد می کنند.

نیروی دریایی عراق توسط هواپیماهای گشت دریایی P3F یا هواپیماهای C130 و بالگردهای هوادریا صورت می‌گرفت.

یگان‌های شناور نیروی دریایی نیز با گشت‌های مداوم از خور عبداله تا تنگه هرمز را به دقت مراقب کرده و شناسایی می‌کردند. حاصل تمام این اقدامات آن بود که عراق هیچ‌گاه نتوانست دست به کوچکترین حرکتی علیه بنادر ایران در خلیج فارس بزند.البته ناوچه‌های عراقی اکثراً با استفاده از تاریکی شب با بیرون آمدن از خور عبداله چند سکوی نفتی ایران در مناطق نزدیک به سواحل عراق مانند سکوهای نفتی نوروز و اردشیر را مورد اصابت موشک‌های استیکس قرار دادند و بعدها این حملات از طریق هواپیماهای جنگنده سوپراتاندارد و بالگردهای سوپرفریلون مجهز به موشک‌های اگزوسه ادامه یافت.

با وجود این، سکوهای نفتی یادشده علی‌رغم آسیب‌دیدگی و عدم توانایی لازم برای استخراج نفت از منابع فلات قاره ایران، برای مقاصد مراقبت و کنترل تحرکات دریایی و هوایی دشمن، تا پایان جنگ همچنان مورد استفاده نیروی دریایی قرار داشتند.

نیروی دریایی ایران نیز متقابلاً با انهدام پایانه‌های نفتی عراق موسوم به البکر و الامیه تا پایان جنگ تحمیلی، عراق را از صادرات نفت خام این کشور از طریق خلیج فارس محروم نمود. لذا با بررسی مجموعه عملیات‌های نیروی دریایی و هوایی دو طرف علیه اهداف نظامی و اقتصادی در دریا می‌توان منطقه شمال خلیج فارس را منطقه اصلی نبرد بین نیروی دریایی ایران و عراق برشمرد. در ادامه جنگ نیز عراق با استفاده از هواپیماها و بالگردهای مجهز به موشک ضدکشتی برای توقف صادرات نفت ایران جنگ

نفت‌کش‌ها را در همین منطقه عملیاتی آغاز کرد که با عملیات مقابله به مثل ایران روبرو شد و این روند تا پایان جنگ ادامه داشت.

البته ایران منطقه جنگ نفت‌کش‌ها را محدود به شمال خلیج فارس نکرده و می‌توانست تمام مسیر کشتیرانی در خلیج فارس از تنگه هرمز تا بنادر منتهی به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج را در صورت شناسایی کشتی‌های مشکوک مورد حمله یگان‌های خودی قرار دهد.

راهبرد نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

ارتش ایران در دوران پهلوی دوم به تدریج از یک نیروی محدود نظامی با اهداف ملی به یک نیروی برتر منطقه‌ای با اهداف فراملّی و به عنوان بخشی از ساختار سیاسی، دفاعی و امنیتی غرب در برابر اتحاد جماهیر شوروی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در شرق اروپا و کشورهای عرب آسیای غربی ارتقای نقش و جایگاه یافت.

در این روند ارتش ایران به تدریج به سلاح‌های پیشرفته ساخت غرب، به ویژه امریکایی و انگلیسی مجهز گردید و رقبای منطقه‌ای ایران، که از کشورهای عرب طرفدار شوروی سابق مانند عراق و مصر بودند، موقعیت و قدرت خود در توازن قوا با ایران را از دست می‌دادند. توجه نیروهای ارتش به بیرون از مرزهای کشور که به طور عمده در راستای اهداف پیمان‌های منطقه‌ای و همکاری و اجرای مانورهای دو و چند جانبه با کشورهای غربی بود، نهایتاً به اجرای مأموریت‌های جدیدی برای ارتش منجر گردید که هرچه بیشتر توجه ارتش را به گسترش قدرت و نفوذ خود در خارج از مرزهای ایران معطوف می‌نمود. در این رابطه نیروی دریایی نقش محوری را بر عهده داشت.

در بازدیدی که محمدرضا در آبان ۱۳۵۱ از فرماندهی ناوگان خلیج فارس و دریای عمان به‌عمل آورد، در چهاردهمین سالگرد تأسیس پایگاه دریایی بندرعباس حضور یافت و مسئله نیازهای وسیع امنیتی ایران را با بیان «حریم امنیت» روشن ساخت. وی اظهار داشت که به خاطر شرایط جدید بین‌المللی، مرزهای ایران فراتر از خلیج فارس و دریای عمان و به داخل اقیانوس هند رفته است. وی به نیروی دریایی وعده داد که قدرت

درخور توجه آن ظرف دو سال آینده به چندین برابر افزایش خواهد یافت و اینکه آنها مسئول امنیت «مرزهای جدید ایران» خواهند بود.

وی سپس گفت که تا وقایع اخیر در این منطقه وی تنها دفاع از خلیج فارس را در ذهن داشت. اما «این وقایع به ما یاد دادند که خلیج عمان و اقیانوس هند هیچ مرزی را نمی‌شناسند.» وی مجدداً به نیروی دریایی یادآور شد که «آنها نه تنها مسئول دفاع از سواحل ایران در خلیج فارس، دریای عرب و خلیج عمان هستند، بلکه باید «دربارهٔ حریم امنیتی ایران» فکر کنند و من از چند کیلومتر صحبت نمی‌کنم. هر کسی که آشنا به مسائلی نظیر موضوعات جغرافیایی و استراتژیک و آشنا به امکانات نیروهای دریایی و هوایی در این روزها باشد حدس می‌زند. فاصله این مرز از چابهار (یکی از پایگاه‌های هوایی مهم در گوشه جنوب‌شرقی ایران) چقدر می‌تواند باشد.»[۱]

محمدرضا در پایان یک مانور دریایی در بندرعباس در اردیبهشت سال ۱۳۵۷ مجدداً بر راهبرد جدید نیروی دریایی تأکید و حریم امنیتی ایران را تا اقیانوس هند اعلام کرد.[۲] اعزام گسترده نیروی نظامی به سلطنت‌نشین عمان برای کمک به حفظ سلطنت سلطان قابوس در برابر شورشیان مارکسیست و یا اعزام نیروهای حافظ صلح به ویتنام و ارتفاعات جولان، اعزام ناوگروه‌های دریایی برای بازدید از کشورهای دوردست مانند افریقای جنوبی، مالدیو، هندوستان و شرق آسیا همگی مهر تأییدی بر

---

۱. نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران و انقلاب . روز شمار ۱۰آبان۱۳۵۱ سخنرانی شاه در پایگاه دریایی بندر عباس صفحه ۱۷۶

۲. نگارنده شخصاً در این مراسم حضور داشت.

سیاست افزایش نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ارتش ایران بود. مأموریت مصوب نیروی دریایی ارتش به شرح زیر بود:

«دفاع از منافع ملی کشور در دریاها و محافظت از حدود و ثغور دریایی کشور در دریای خزر، خلیج فارس و آب‌های فلات قاره و مشارکت در برقراری صلح و ثبات دریایی با دیگر کشورها.»[1]

راهبرد نیروی دریایی ارتش ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تأمین‌کننده اهداف ملی ایران بود که وظیفه و نقش فراملی جدیدی را برای این نیرو تعریف و تبیین می نمود. بنابراین نیروی دریایی ارتش در آن زمان تنها وظیفه حفظ حدود و ثغور کشور ایران را بر عهده نداشت، و بر اساس صلاحدید واشنگتن، باید نقش مهم‌تر منطقه‌ای و بین‌المللی را ایفا می‌کرد. انگلیس به دلیل بعضی مشکلات مالی و همچنین اطمینان از توان ایران برای حفظ امنیت خلیج فارس و منافع غرب در این منطقه در سال ۱۹٦۸[2] تصمیم می‌گیرد نیروهایش از خلیج فارس و شرق مدیترانه خارج کند. این فرصتی استثنایی برای شاه بود تا موقعیت نظامی خود را در خلیج فارس تحکیم بخشد، فراتر از آن به اقیانوس هند گسترش دهد. در این رابطه یک گزارش اطلاعاتی ارتش امریکا می‌گوید:

«پس از خروج انگلستان از خلیج فارس از سال ۱۹۷۱ ایران نقش مهم‌تری را در تأمین امنیت خطوط کشتیرانی در خلیج فارس بر عهده می‌گیرد. با اختصاص میلیاردها دلار در بودجه نظامی و برنامه گسترده خرید تجهیزات نظامی مدرن ایران تلاش می‌کند تا این مأموریت جدید را

---

۱ برگرفته از مدارک موجود در نداجا و اداره پنجم سماجا

۲. تصمیم انگلستان برای خروج نیروهایش از شرق مدیترانه و خلیج فارس در سال ۱۹٦۸ اعلام گردید و تا سال ۱۹۷۱ به مرحله اجرا درآمد.

انجام دهد. این اقدامات که هماهنگ با سیاست‌های غرب در منطقه بود به خرید انواع ناوشکن، فریگیت، زیردریایی، ناوچه‌های موشک‌انداز و هواپیماهای گشت دریایی از ایالات متحده و انگلستان منجر گردید. این تجهیزات جدید بر اساس دستورالعمل‌های عملیاتی ناتو مورد بهره برداری قرار می‌گرفتند. اگرچه بسیاری از این تجهیزات برای نقش جدید نیروی دریایی ایران لازم بود، اما به نظر می‌رسید بخشی از تجهیزات صرفاً برای بزرگ‌نمایی قدرت ایران در منطقه خریداری می‌شوند.»[1]

اگرچه تجهیزات نیروی دریایی در آغاز جنگ تقریباً دست نخورده باقی مانده بود، اما به دو دلیل از کاهش نیروی رزمی تعریف شده برای مأموریت‌های فرامنطقه‌ای فاصله گرفته بود. اولاً بسیاری از تجهیزات خریداری شده آن مانند موشک‌های ضدکشتی پیشرفته هارپون یا ناوهای خریداری شده از کشورهای مختلف بعد از انقلاب به ایران تحویل داده نشده بود و ثانیاً به دلیل عدم امکان تعمیرات و نگهداری به موقع ناوها و یگان‌های پروازی بر اثر رویدادهای پس از انقلاب سطح آمادگی رزمی بسیاری از تجهیزات کاهش یافته بود.

در این خصوص، یک پژوهش که به بررسی ابعاد جنگ تحمیلی در خلیج فارس پرداخته است وضعیت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را در ابتدای جنگ مورد ارزیابی قرار داده است، البته مواردی از این ارزیابی چندان با واقعیت عملیات نیروی دریایی در روزهای بعد از شروع جنگ همخوانی نداشته و صرفاً نظر نویسنده را منعکس می‌نماید. زیرا نیروی دریایی جنگ را با ضربات مهلک بر نیروی دریایی عراق آغاز کرد و تا پایان جنگ اقتدار خود را علیرغم همه محدودیت‌ها تداوم بخشید:

---

1. From guerrilla Warfare to a Modern Naval Strategy, US Office of Intelligence, 9 march 2009

«وضعیت نیروی دریایی، بازوی دیگر شاه در اجرای راهبرد کنترل خلیج فارس، نیز چندان بهتر از نیروی هوایی نبود. بعد از پیروزی انقلاب، رهبران جمهوری اسلامی فوراً سفارشات مربوط به ناوشکن‌های بزرگ از کلاس کوروش، زیردریایی‌های نوع ۲۰۹ و دو فروند از چهار فروند کشتیLST [۱] کلاس هنگام۲ را لغو کردند.

همچنین حکومت ایران انتقال زیردریایی‌های کلاس تانگ۳ ساخت ایالات متحده را معلق و سپس ممنوع ساخت. ایران برقراری ارتباط نزدیک با ایالات متحده را رد کرد؛ وخامت روزافزون در روابط بین دو کشور با بحران گروگان‌گیری در سفارت امریکا به اوج خود رسید. در واکنش به این واقعه، سازمان ملل متحد ارسال تجهیزات نظامی به ایران را تحریم کرد. این تحریم شامل کشتی سوخت‌رسان "خارک"، دریارو انگلستان و سه فروند ناوچه موشک‌انداز در شربورگ فرانسه نیز می‌شد.»[۲]

علاوه بر لغو سفارشات قبلی، واکنش های غرب باعث شد منابع تأمین‌کننده مهمات و قطعات یدکی فوری همکاری‌های خود با ایران را قطع کنند. شاه برای اینکه بتواند باصرفه‌ترین خرید را داشته باشد، با چندین فروشنده تسلیحات وارد معامله شد. این امر باعث می‌شد که سلاح‌ها یک‌دست و استاندارد نباشند. برای مثال، کشتی‌های نیروی دریایی ایران به توپ‌های ۵ اینچ امریکایی، ٤/٥ اینچ انگلیسی و ۷۵ میلی‌متری ایتالیایی مجهز بودند و رادارهای مورد استفاده نیز ساخت امریکا، انگلستان، هلند و ایتالیا بودند. نیروی محرکه ناوهای رزمی و پشتیبانی نیز به محصولات تولیدکنندگان متعدد از جمله توربین‌های بخار امریکایی، توربین‌های گازی

---

۱. ناوهای نیروبر آبخاکی

۲. ناو خارک و ناوچه‌های موشک‌انداز بعداً به نیروی دریایی ایران تحویل داده شد.

انگلیسی و دیزل‌های ساخت MTU-MAN (آلمان)، Paxman (انگلستان) و Morse-Fairbanks (امریکا) مجهز بودند.

اگرچه پاکسازی پرسنل نیروی دریایی نسبت به نیروی هوایی و ارتش از گستردگی کمتری برخوردار بود، اما تأثیرگذار بود. فقط در یک روز (۷ فوریه سال ۱۹۸۰)، تعداد زیادی از افسران و فرماندهان ارشد نیروی دریایی ایران به طور اجباری بازنشسته شدند. این تغییرات گسترده در نهادهای نیروی دریایی ایران و فروپاشی زیرساخت‌های پشتیبانی باعث تشدید وخامت وضعیت این نیرو شد.

در نتیجه، در زمان حمله عراق به ایران، نیروی دریایی ایران که بیش از یک سال را بدون تأمین قطعات یدکی یا تعمیرات حیاتی به سر برده بود، یک سرمایه هدر رفته به شمار می‌رفت. بیشتر کشتی‌ها به دلیل مشکلات مکانیکی و کمبود مهارت‌های فنی لازم از رده خارج شده بودند. علاوه بر این، ایران می‌دانست که به علت نداشتن رابطه با تأمین‌کنندگان غربی سلاح، مشکلات عملیاتی کشتی‌ها یا سیستم‌های آنها رفع شدنی نیست. رفع نواقص و خرابی تجهیزات ناممکن بود و جایگزینی موشک‌های کروز و مهمات اصلی، میسر نبود.[۱]

اگرچه این تحلیل چندان با واقعیت و عملکرد نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی تطابق ندارد، اما به بعضی از واقعیات موجود در آن زمان اشاره شده است. در هر صورت نیروی دریایی ارتش برای رویارویی با عراق در خلیج فارس از توانمندی بالای نیروی انسانی و فرماندهان، افسران، درجه‌داران و غیرنظامیان فرهیخته و مجرب برخوردار بود و با درایت و

---

۱. واکر جان جی . جنگ دریایی ایران در خلیج فارس (Iran's Naval War in Persian Gulf)، ترجمه پریسا کریمی نیا

هوشمندی و شجاعت بالا به گونه‌ای عمل کرد که اقدامات یگان‌های رزمی آن به بهترین نتیجه ممکن یعنی خارج کردن یگان‌های شناور عراقی از صحنه عملیات دریایی خلیج فارس و مسدود نمودن راه‌های مواصلات دریایی این کشور منجر گردید.

با وجود این، امکانات موجود در آن زمان اگرچه برای مقابله با عراق به بهترین نحو ممکن به کار گرفته شد و امکان درگیری های محدود منطقه ای با کشورهای حاشیه خلیج فارس را داشت، اما در آن شرایط قادر به مقابله همه جانبه با ائتلافی از کشورهای فرامنطقه ای را نداشت و این درگیری اقدامی غیرضروری محسوب می‌گردید و لذا به طور طبیعی این نیرو باید تمام توجه خویش را به مقابله با اقدامات عراق متمرکز می‌کرد. در این رابطه این وضعیت از دیدگاه برخی ناظران خارجی به روشنی بیان شده است:

«در سال ۱۹۸۰، جمهوری اسلامی نوپا به خوبی از موقعیت استراتژیک ایران آگاه بود و به درستی به این نکته پی برده بود که با توجه به عدم برخورداری از سلاح‌های غربی و وخامت فزاینده وضعیت نیروی دریایی ایران، راهبرد شاه مبنی بر کنترل کامل خلیج فارس، دست کم در آینده نزدیک، دست‌یافتنی نیست.

جمهوری اسلامی می‌دانست که صرف هزینه‌های گزاف توسط شاه برای سلاح‌های مختلف جهت کنترل خلیج فارس نقش مهمی در سقوط او داشت.[1] علاوه بر این، از آنجا که نیروی دریایی شاه فقط قادر به محافظت از منافع و موقعیت استراتژیک ایران در برابر بازیگران منطقه‌ای بود و تهدیدات

---

۱. لیمبرت جان - ایران در جنگ با تاریخ صفحه ۱۱۱- لندن انتشارات کروم هلم ۱۹۸۷

بالقوه جدید پیش روی این کشور (ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه) از لحاظ توانایی کنترل دریا از برتری بسیار بالایی برخوردارببودند، لذا هرگونه رویارویی مستقیم با این نیروها به یک شکست غیرضروری منجر می‌شد.[۱]»

توان رزمی نداجا

جهت آشنایی با توان و سازمان رزم نیروی دریایی در ابتدای جنگ تحمیلی اجمالاً به آن اشاره می شود. درسال ۱۳۵۷ تعداد کارکنان نیروی دریایی با احتساب کارکنان تحت آموزش به حدود ۳۳۰۰۰تَن افزایش پیدا کرد. اما بسیاری از کارکنان این نیرو که بعضاً دارای نقش و وظیفه کلیدی بودند، به دلیل وقایع انقلاب تا زمان جنگ از خدمت رها شده و بسیاری نیز از مناطق عملیاتی به سایر پایگاه‌های نیروی دریایی و یا به سازمان‌های دیگر منتقل شدند. ناوگان خلیج فارس و دریای عمان در ابتدای جنگ دارای یگان‌های شناور و پروازی به شرح زیر بود:

ناوشکن موشک‌انداز سنگین ۳فروند، ناوشکن موشک‌انداز سبک کلاس سام ٤ فروند، ناچه موشک‌انداز کلاس کمان ۱۲ فروند (تعداد ۳فروند بعد از انقلاب تحویل نیروی دریایی شدند)، کروت توپدار کلاس بایندر ٤ فروند، ناو نیروبر کلاس هنگام ٤ فروند (۲فروند پس از انقلاب تحویل گردید)، ناو سوخت رسان کلاس بندر عباس ۲ فروند ، ناو لجستیکی خارک (بعد از انقلاب تحویل نیروی دریایی شد)، ناوچه توپدار ۷ فروند ، ۸ فروند هاورکرافت SRN6، ٦ فروند هاورکرافت BH7 و حدود ۳٦ فروند انواع بالگرد ترابری و ضدزیردریایی و مین روب، انواع

---

۱. همان ، ص۱۱.

موشک‌های هارپون، استاندارد، سی کیلر و سی کت که بر روی ناوها و ناوچه‌های نیروی دریایی نصب شده بودند.

در ضمن ٦ فروند هواپیمای گشت دریایی P3F خریداری شده برای نیروی دریایی، که نیروی هوایی آن را راه‌اندازی کرده بود، از پایگاه هوایی شیراز برای انجام عملیات گشت دریایی به بندر عباس اعزام می‌شدند. ۵ فروند ناوهای مین جمع‌کن نیروی دریایی هنوز وجود داشتند. اگرچه دارای قابلیت مین جمع‌کنی با شرایط نوین را نداشتند، اما سال‌ها نقش مهمی در آموزش افسران و درجه‌داران نیروی دریایی ایفا نمودند.

اگر بخواهیم توان این ناوگان را مورد ارزیابی قرار دهیم، باید بگوییم قدرتمندتر از توان نیروی دریایی همه کشورهای خلیج فارس در آن زمان بود. این نیرو در صورت برخورداری از آمادگی رزمی ۱۰۰% می توانست با کمک ناوهای سوخت‌رسان و لجستیکی مدت‌ها در دریاهای دور به عملیات بپردازد و می‌توانست یک تیپ تفنگدار و حدود یک گردان تانک را توسط ناوهای نیروبر کلاس هنگام در سواحل یا جزایر دشمن پیاده نماید و همچنین قادر بود یک نیروی کماندویی به استعداد یک گردان را به کمک هاور کرافت‌های خود ظرف چند ساعت در سواحل یا جزایر کشورهای عرب خلیج فارس پیاده کند.

این نیرو می توانست با کمک موشک‌های پدافند هوایی استاندارد و موشک‌های ضدکشتی هارپون عملیات آفندی و پدافندی نسبتاً مطمئنی را علیه اهداف سطحی دریایی و هوایی دشمن ایجاد نماید. این نیروها می‌توانستند با استفاده از ناوها و بالگردهای مین‌روب اقدامات مین‌ریزی دشمن را خنثی نمایند. بالگردها و هواپیماهای شناسایی دریایی P3F

قادر بودند گشت مستمر و مطمئنی را بر فراز آب‌های خلیج فارس و دریای عمان و دریای عرب اجرا کنند.[۱]

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران بر اساس وظیفه و مأموریتی که داشت با آغاز جنگ، اقدام به برقراری یک ستاد تاکتیکی تحت نام نیروی رزمی ۴۲۱ در پایگاه دریایی بوشهر کرد. وظیفه این ستاد هماهنگی و هدایت عملیات یگان‌های شناور و پروازی و تفنگدار نیروی دریایی در جهت مقابله با نیروی دریایی عراق بود.

قطعاً در این مأموریت نابودی نیروی دریایی عراق، اولین اولویت این نیروی رزمی بود. اولویت بعدی، حفظ سیادت دریایی جمهوری اسلامی ایران بر آبراه راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز با هدف باز نگاه داشتن این آبراه بر روی بنادر و تجارت خارجی کشور و محروم نمودن ناوگان تجاری و بنادر عراق از این مزیت بود. هر دو مأموریت با قاطعیت در دو سال اول جنگ و با موفقیت نسبی تا پایان جنگ تداوم یافت.

البته با توجه به گسترش جنگ در خلیج فارس و بحث جنگ نفت-کش‌ها و مسائل جزایر و سواحل طولانی ایران در خلیج فارس و دریای عمان یک قرارگاه تاکتیکی موسوم به فرماندهی دریا ساحل که به دال سین (د س) معروف بود، در زمان ریاست ستاد زنده یاد سرتیپ ظهیرنژاد در بندرعباس تشکیل شد، که به طور مستقیم تحت امر ستاد مشترک ارتش بود. این قرارگاه تاکتیکی دارای یک فرمانده از افسران نیروی دریایی و سه معاون هوایی و دریایی و زمینی بود.

---

۱. اطلاعات دریافتی از نداجا و اطلاعات شخصی نگارندگان با توجه به هشت سال حضور در دوران جنگ تحمیلی.

یک تیپ از نیروی زمینی و پایگاه‌های هوایی بوشهر وبندرعباس و چابهار و یگان‌های شناور مناطق مختلف نیروی دریایی تحت امر عملیاتی آن بودند.[۱] ایجاد این قرارگاه تاکتیکی در واقع نشان‌دهنده خلأ بزرگی در سیستم فرماندهی تاکتیکی ناوگان نیروی دریایی بود که پس از انحلال فرماندهی ناوگان خلیج فارس و دریای عمان به وجود آمده بود، زیرا اگر این ساختار فرماندهی حفظ شده بود دیگر نیازی به ایجاد قرارگاه‌های تاکتیکی متعدد مانند ۴۲۱ و دریا ساحل نبود و فرماندهی ناوگان متناسب با شرایط تاکتیکی مناطق مختلف جنگ در دریا از زیرمجموعه‌های خود برای فرماندهی و کنترل عملیات در هر منطقه استفاده می‌کرد.

در اوایل جنگ، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران برتری نسبی هوایی در برابر نیروی هوایی عراق را بر فراز آب‌های خلیج فارس به دست آورده بود و پوشش هوایی مناسبی را برای یگان‌های شناور نیروی دریایی در شمال خلیج فارس برقرار کرده بود و تا چند سال بعد نیز به صورت نسبی این برتری را حفظ نمود.

در هر صورت، ترکیبی از ناوچه‌های موشک‌انداز کلاس کمبتانت مجهز به موشک‌های هارپون و انواع بالگرد و هاورکرافت‌های هوادریا و هواپیماهای پیشرفته F14 و F4 نیروی هوایی مستقر در پایگاه هوایی بوشهر و عناصری از یگان‌های ویژه تکاوران دریایی، یکی از پیشرفته‌ترین و قدرتمندترین ترکیب نیرو را برای مقابله با تهدید دریایی عراق در شمال خلیج فارس به وجود آورده بودند که بدون اغراق در آن زمان در سطح خاورمیانه نیز بی‌مانند بود.

---

۱. بایگانی مدارک جنگ تحمیلی نداجا.

با ادامه پیروزی‌های نیروهای ایرانی در زمین و آزادسازی بخش‌های مهمی از سرزمین‌های متصرفی ایران توسط ارتش بعث در چند عملیات بزرگ و بسیار موفق، سرفرماندهی ارتش بعث به پیشنهاد کشورهای حامی خود تلاش گسترده و جدیدی را برای توقف صادرات نفت ایران با هدف ممانعت از دسترسی ایران به منابع مالی لازم برای ادامه جنگ آغاز نمود، که در واقع آغازی بر جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس از سوی عراق بود.

جنگ نفت‌کش‌ها

جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس یک رویداد تعیین‌کننده در تاریخ نیروی دریایی ایران است که بازتابی از راهبرد دریایی ایران، یعنی همان راهبرد ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس در صورت عدم تأمین امنیت برای کشتیرانی جهوری اسلامی، می‌باشد. مناقشه بین ایران و عراق در مراحل اولیه در خشکی جریان داشت و فقط چند واحد کوچک دریایی نقش پشتیبانی اندکی در منطقه اطراف خرمشهر را ایفا می‌کردند.

در سال ۱۹۸٤، عراق متوجه شد ابتکار عمل در جنگ زمینی را از دست داده و تصمیم گرفت توجه خود را بر قدرت هوایی متمرکز نماید. عنصر اصلی راهبرد عراق حمله به مناطق استراتژیک ایران و فلج کردن اقتصاد این کشور بود. به همین منظور، به تأسیسات نفتی حیاتی ایران در جزیره خارک حمله کرد که ۸۵ درصد از صادرات نفتی ایران ازطریق نفتکش‌ها از این بندر انجام می‌شد. بندر خارک مهم‌ترین هدف جنگنده‌های میراژ F1 عراقی مسلح به موشک‌های اگزوسه ضدکشتی بود.[۱] در پاسخ به این حملات، ایران با حمله به نفت‌کش‌های متعلق به کشورهای حامی عراق در خلیج فارس، با این امید که دولت‌هایی چون عربستان و کویت از حمایت عراق دست بردارند، درصدد پاسخ‌گویی برآمد.[۲]

---

1 .Dilip Hiro, The Longest War; The Iran-Iraq Military Conflict. New York: Routledge, Chapman & Hall, IN ,۱۹۹۱p129-131.

2. John Jordan, "The Iranian Navy." Jane's Intelligence Review (May 1992): p214.

در اوایل سال‌های دهه ۱۹۸۰، هر دو کشور ایران و عراق در حد محدود حملاتی را علیه کشتی‌های تجاری اجرا نمودند؛ اما در سال ۱۹۸٤ عراق این حملات را به نحو چشمگیری افزایش داد تا از صدور نفت ایران جلوگیری نموده وآن را از منابع مالی برای ادامه جنگ محروم نماید. تا پایان جنگ صدها فروند کشتی تجاری از بیش از ۳۰ ملیت مختلف مورد هدف قرار گرفتند.[۱]

طبق بررسی تمام منابع و مدارک موجود، همگی بر این هدف و راهبرد عراق مبنی بر تلاش برای وادار کردن ایران به خاتمه جنگ از طریق قطع منابع مالی ایران حاصل از صادرات نفت و گاز اذعان داشته و متفق‌القول می‌باشند. در مقابل، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر اساس تصمیمات متخذه فرماندهی عالی جنگ راهبرد مقابله به مثل را بر اساس امنیت برای همه یا برای هیچ‌کس در خلیج فارس آغاز نمود. در این رابطه یک گزارش تحقیقاتی نیروی دریایی ایالات متحده می‌نویسد:

"نیروی دریایی ایران از همان ابتدای جنگ بخش وسیعی از نیروی دریایی عراق را منهدم کرد و یا در بنادر مسدود شده آن محبوس نمود. در مقابل، عراق جنگ نفت‌کش‌ها را از سال ۱۹۸۱ علیه کشتی‌هایی که نفت ایران را به خارج صادر می‌کردند آغاز کرد. تا سال ۱۹۸٤ عراق این عملیات را بدون اقدامات متقابل ایران تداوم بخشید. در ماه مارس ۱۹۸٤، عراق عملیات خود را شدت بخشید و دامنه اقدامات خود را به شرق و جنوب

---

۱. بررسی جنگ ایران و عراق ـ راهبرد نظامی و اهداف سیاسی صفحه ۲۱ - ۱۹۸۹ دانشکده جنگ نیروی هوایی ایالات متحده

جزیره خارک افزایش داد. دو ماه بعد ایران نیز عملیات مقابله به مثل خود را علیه کشتیرانی در خلیج فارس آغاز نمود.[1]

در سال ۱۹۸۱، عراق در مرحله اول به کشتی‌های غیرنظامی ایرانی که وظیفه واردات کالاهای نظامی پشتیبانی جنگ را به عهده داشتند حمله هوایی کرد. در مرحله بعد، این حملات کلیه کشتی‌های تجاری ایران را نیز شامل شد. عراق حملاتش را با کمک جنگنده‌های سوپراتاندارد، میراژ اف۱ و هلیکوپتر سوپرفریلون که مجهز به موشک‌های اگزوسه بودند و میگ-۲۳ انجام می‌داد. این سلسله حملات تا سال ۱۹۸۳ ادامه پیدا کرد. اما ایران در این میان اقدام خاصی برای مقابله با این حملات انجام نداد. نفت‌کش اطلس اولین نفت‌کش خارجی بود که در این جنگ آسیب دید. هواپیماهای عراق این نفت‌کش را که متعلق به ترکیه و در حال صادرات نفت ایران بود در ۳۰ می ۱۹۸۲ در خلیج فارس بمباران کرد. در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۲ نفت‌کش یونانی اسکپمانت در حالی که در حال صادرات نفت ایران بود، مورد حمله موشک اگزوسه عراق قرار گرفت و آسیب جدی دید. آسیب‌دیدگی به حدی بود که کشتی از ادامه سرویس‌دهی بازماند و کشتی غیرقابل استفاده گردید. از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ مجموعاً ۴۸ کشتی تجاری مورد حمله قرار گرفتند.[2] در واقع باید اوج جنگ نفت‌کش‌ها را در سال‌های ۱۹۸٦ و ۱۹۸۷ به‌شمار آورد. اما علی‌رغم افزایش عملیات مقابله به مثل از سوی ایران مشکلات صدور نفت خام با دشواری‌های بیشتری روبرو شد. دولت ایران با حمله عراق به نفتکش‌ها از سه طریق تحت فشار فزاینده قرار می‌گرفت:

---

1. Orourke Ronald - Iran Iraq war may 1988 Proceeding Magazine

۲. همان، ص ۲.

الف) کاهش درآمد نفتی از طریق محدود کردن صدور نفت.

ب) افزایش هزینه‌های تولید و صدور نفت از طریق انهدام منابع نفتی، انهدام پایانه‌های نفتی و افزایش حق بیمه نفت‌کش‌ها.

ج) تخلف کشورهای صادرکننده نفت به ویژه عربستان و کویت در افزایش صدور نفت و کاهش قیمت آن. این روند تا آنجا پیش رفت که قیمت نفت که در سال ۱۳۵۹ بشکه‌ای ٤١ دلار بود، در سال‌های پایانی جنگ به ۱۵ دلار رسید. البته قیمت ۱۵ دلار حداقل قیمت نفت نبود، بلکه در سال ۱۳٦۵ که یکی از سال‌های بحرانی جنگ بود، قیمت نفت تا ۸ دلار هم کاهش یافت.

غلامحسین تاش از صاحبنظران بلندپایه صنعت نفت در دوران دفاع مقدس در این رابطه می‌گوید:

در سال ۱۹۸۶ همزمان با تمام این مشکلات، در اوپک اتفاق عجیبی افتاد. وزیر نفت عربستان در اجلاس اوپک اعلام کرد کشورهای اوپک دائماً تولیدشان را برای حفظ قیمت کاهش داده‌اند، اما این کار اشتباه است و ما سهم بازار خود را از دست داده‌ایم؛ بنابراین ما باید تولید خود را افزایش دهیم تا سهم بازارمان حفظ شود و مهم نیست اگر قیمت نفت کاهش پیدا کند. عربستان این کار را عملاً شروع کرد. نفتی که قبل از آن ۲۷دلار بود به ٦ دلار سقوط کرد.[۱]

در خصوص چرایی اتخاذ سیاست مقابله به مثل، آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه همشهری می‌گویند:

---

۱. تاش غلامحسین - بامکافات یک قطره نفت صادر می کردیم ۲۹ شهریور ۱۳۹۳ - در موسسه مطالعات دین و اقتصاد

یك بحث جدی و پایه‌ای هم در این موضوع است. آنها به فکر افتادند که راه شکست ما قطع منابع مالی است. ما هم از کس دیگری کمك نمی-گرفتیم. پس دیگر نمی‌توانستیم بجنگیم و تنها منبعی که می‌توانستند قطع کنند، نفت ما بود. امکانات فراوانی به عراق دادند تا صدور نفت ما را قطع کنند. ما داشتیم خط لوله‌ای به سمت بندرعباس می‌کشیدیم که از آنجا نفت را صادر کنیم، اما هنوز در راه بود و دو سه سال وقت لازم داشت تا به سرانجام برسد. ما برای انجام این کار زمان در اختیار نداشتیم و غربی‌ها بر دامنه مسلح کردن عراق افزوده بودند. به عراق موشك‌های اگزوسه دادند. همچنین بمب‌های لیزری دادند، فرانسوی‌ها هواپیمای سوپراتاندارد دادند. هدف و سیاست آنها این بود که منبع درآمد ما را بخشکانند.

سیاست متقابل ما هم این شد که باید همه از خلیج فارس نفت صادر کنند. اگر ما نمی توانیم، دیگران هم نباید بتوانند. این سیاست جنگی تازهٔ ما شده بود. البته عراق با یک لوله که از عربستان می‌گذشت، از طریق دریای احمر نفت را صادر می‌کرد، ولی آن لوله، حداکثر به یک میلیون بشکه نفت در روز برای صادرات جواب می‌داد. سیاست مقابله به مثل را انتخاب کردیم، هرجا که آنها یك کشتی می‌زدند، یك کشتی آنها زده می‌شد. اگر بندر ما را می زدند، متقابلاً بندر زده می‌شد. امریکا دید که با وجود این همه امکانات و کمك همسایگان به عراق، ایران همچنان دست برتر را دارد. امریکا خودش به صحنه آمد و اسکورت نفت‌کش‌ها را به عهده گرفت. پرچم امریکایی روی نفت‌کش بزرگ کویت بود که همان کشتی به تیر غیب گرفتار و غرق شد. در جلو و عقب این کشتی ناو امریکایی حرکت

می‌کرد که هدف قرار گرفت و یک صبح زود خبر دادند کشتی در حال غرق شدن است.[۱]

از آوریل ۱۹۸۵ (فروردین ۱۳۶۴) حملات عراق با شدت و قدرت بسیار بیشتر همراه شد و تأسیسات جزیره خارک هدف اصلی حملات هوایی جنگنده‌های عراقی شد. در پی حملات ماه‌های اولیه، خسارات بسیار سنگینی به پایانه‌های نفتی جزیره خارک وارد شد، به طوری که هاشمی رفسنجانی از اشراف اطلاعاتی هواپیماهای عراق به وضعیت دفاع هوایی این منطقه به شدت گلایه کرد.[۲]

---

۱. اکبر هاشمی رفسنجانی، «واقعیت این بود.»، روزنامه همشهری، ۱ مهر ۱۳۸۲.

۲ هاشمی رفسنجانی، اکبر . امید و دلواپسی (خاطرات سال ۱۳۶۴). تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷. ۲۶۴.

درگیری با ناوگان امریکا

بعد از سال ۱۹۸۴ عراق با افزایش فشار تلاش کرد ایران را اغوا کند که در جهت فشار به عراق و متحدان منطقه‌ایش تنگه هرمز را مسدود سازد. هدف عراق از اجرای این نقشه، قطع کامل صادرات نفت از خلیج فارس و مداخله مستقیم نظامی کشورهای غربی واردکننده نفت از این منطقه بر ضد ایران بود. در نهایت تهران اعلام داشت: اگر ما از صادرات نفت محروم شویم تمامی خلیج فارس محروم خواهند شد.

تهدید به بستن تنگه هرمز، ایران را در مقابل جامعه بین‌المللی و کشورهای منطقه قرار داد. به دنبال این هشدار ناوگان‌های امریکا و ناتو بر گشت زنی خود در آب‌های منطقه افزودند. یک ماه بعد شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، تجاوز ایران به آزادی کشتیرانی را تهدید علیه ثبات و امنیت منطقه و خطر جدی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و خواستار تشکیل جلسه فوری شورا شدند.

شورای امنیت نیز در تاریخ اول ژوئن ۱۹۸٤ با تصویب طرح قطعنامه پیشنهادی شش کشور شورای همکاری در قالب قطعنامه۵۵۲ حمله به کشتی‌های تجاری را محکوم کرد و به طور تلویحی ایران را مسئول این حملات و ادامه جنگ دانست.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اقدامات تلافی‌جویانه خود را به طور مستقل از طریق یگان‌های شناور رزمی و در عملیات‌های مشترک با مشارکت هواپیماهای گشت نیروی دریایی و جنگنده‌های نیروی هوایی به اجرا درمی‌آورد. از نظر نداجا هدف اصلی بر پاسخگویی به حملات

عراق متمرکز بود و ضمن حفظ اقتدار و عزت و دفاع از مرزهای آبی جمهوری اسلامی از ایجاد تنش بی‌مورد و غیرضروری با نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس اجتناب می‌گردید، اگرچه این آمادگی کاملاً وجود داشت تا در صورت نیاز پاسخ‌های لازم به هر نیروی متجاوزی داده شود.

سال‌های ١٩٨٦ الی ١٩٨٧ اوج حملات دو طرف علیه کشتیرانی در خلیج فارس بود. حوادث و رویدادهای این دوران عملاً نیروهای ایرانی و امریکایی را در خلیج فارس به یک درگیری همه‌جانبه نزدیک می‌کرد. در این دوره مورد اصابت قرار گرفتن ناو امریکایی استارک توسط دو فروند موشک اگزوسه شلیک شده از یک جنگنده میراژ اف-١ عراقی و انهدام ناو امریکایی ساموئل رابرتز بر اثر برخورد با یک مین شناور و متعاقب آن انهدام سکوهای نفتی ایران در حوزه نفتی ساسان و سیری، انهدام کشتی ایرانی ایران اجر و درگیری مستقیم نیروهای امریکایی با نیروهای ارتش و سپاه و مورد اصابت قرار گرفتن ناوهای سهند و سبلان و جوشن و در نهایت انهدام هواپیمای مسافری ایران بر فراز آب‌های خلیج فارس از مهم‌ترین رویدادهای این دوره بوده است.

عراق در ١٧ می١٩٨٧، به ناو جنگی استارك حمله کرد و آن را یك اشتباه خواند. نکته جالب توجه این بود که امریکا، ایران را به علت گسترش جنگ مقصر اعلام کرد و کشتی‌های جنگی خود را برای اسکورت ١٧ نفت‌کش کویتی به خلیج فارس اعزام داشت. ایران از حمله مستقیم به کشتی‌های امریکایی خودداری کرد، ولی یا در مسیر کشتی‌ها مین‌گذاری می‌نمود و یا اینکه با استفاده از قایق‌های تندرو به کشتی‌ها حمله می‌کرد. زمانی که ایران به نفت‌کش سی آیل در اکتبر١٩٨٧ حمله کرد، واشنگتن سکوی نفتی رستم را منهدم کرد.

عراق چند هفته بعد از حمله به استارك، حملات خود را به نفتکش‌های نزدیك تنگه هرمز دوباره شروع کرد. در اوایل سال ۱۹۸۸، خلیج فارس میزبان حداقل سه نیروی دریایی غربی و هشت نیروی دریایی کشورهای منطقه بود و هر هفته به کشتی‌های مختلف حمله می‌شد. تعداد حملات به حدی بود که مراکز تعمیر کشتی‌ها در بحرین و امارات نمی‌توانستند کشتی‌ها را تعمیر کنند.[۱] استفاده ایران و عراق از انواع موشک و مین و انهدام ده‌ها فروند کشتی تجاری امنیت کشتیرانی درخلیج فارس را به موضوعی بین‌المللی تبدیل کرد. در این خصوص سردار علایی از فرماندهان اسبق نیروی دریایی سپاه می‌گوید:

«امریکایی‌ها با کمک اروپایی‌ها وارد جنگ شدند و حدود ۹۰ فروند کشتی جنگی به خلیج فارس آوردند. در سال آخر جنگ نه درگیری نظامی مستقیم با امریکایی‌ها داشتیم.»

وی افزود: امریکایی‌ها اولین کشتی کویتی که ظرفیت ٤٥٠ هزار بشکه نفت داشت را اسکورت کردند که روی مین رفت و نابود شد و امریکایی‌ها ناکام شدند. بنابراین امریکایی‌ها به قایق‌های تندرو سپاه در کنار جزیره فارسی حمله کردند و دو تا از قایق‌های ما را با نفراتش زدند.

بنیانگذار نیروی دریایی سپاه ادامه داد: در این درگیری، رزمندگان ما با استفاده از موشک استینگر امریکایی که از مجاهدین افغان به دست آورده بودند، هلیکوپترشان را زدند که نابود شد و دو خلبانش کشته شدند. قائم‌مقام اسبق وزارت دفاع افزود: در درگیری بعدی، امریکایی‌ها کشتی نیروی دریایی ارتش ایران که به سمت بحرین حرکت می‌کرد را زدند و

---

۱. جنگ نفتکش‌ها - فدراسیون دانشمندان امریکایی - پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس ۷بهمن ۱۳۹۳

تعدادی شهید و مجروح شدند و تعدادی نیز توسط امریکایی‌ها اسیر شدند که ما از طریق عمان آنها را تحویل گرفتیم.

وی با تأکید بر اینکه در سال آخر جنگ امریکایی‌ها خودشان وارد جنگ شده بودند، اظهار داشت: یک کشتی با پرچم امریکا به نام سانگاری کنار اسکله احمدی[1] کویت مورد اصابت موشک‌های ساحل به دریا قرار گرفت و امریکایی‌ها سکوهای نفتی نصر و سلمان را زدند .بعد از آن نیز یک ناو مین جمع‌کن امریکایی‌ها به نام «ساموئل بی رابرت»[2] روی مین رفت و دو تکه شد. به طوری که امکان بازسازیش نبود.

سردار علایی اضافه کرد: در پی انهدام این ناو، امریکایی‌ها سکوهای نفتی رشادت و رسالت را زدند و به این ترتیب درگیری مستقیم با امریکا ادامه پیدا کرد تا اینکه سه فروند از ناوهای ارتش به نام سهند و سبلان و جوشن را زدند و ٦٤ نفر از خدمه این ناوها را به شهادت رساندند. البته یکی از ناوها غرق شد و دو تا از آنها بعد از جنگ بازسازی شد.

وی با بیان اینکه آخرین اقدام نظامی امریکایی‌ها حمله به هواپیمای مسافربری در تنگه هرمز بود، تأکید کرد: بنابراین در سال آخر جنگ، ما یک طرف بودیم و عراق و امریکا و کل جهان در طرف مقابل ما، ولی ما جنگ را تبدیل به حماسه کردیم.

آمار کشتی‌های مورد اصابت قرار گرفته بر اساس تحقیقات و نوشته‌های مختلف اندکی متفاوت است. با وجود این بیشترین اختلاف آماری مربوط به سال‌های آخر جنگ می‌شود و در سایر موارد آمارها تا

---

۱ . اسکله الاحمدی قادر است در هر یک از سکوهایش یک نفتکش ۱۵ هزار تنی را بارگیری نماید.
۲. ناو یاد شده یک فریگیت نیروی دریایی ایالات متحده بود.

سال ۱۹۸٦ تقریباً مشابه است. آمار زیر با بررسی چند منبع مختلف ارائه می‌شود.

آمار حملات انجام شده به کشتی‌های تجاری در طول جنگ نفت‌کش‌ها[1]								
مهاجم/سال	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	مجموع
عراق	۵	۲۲	۱۶	۵۳	۳۳	۶۶	۸۸	۲۸۳
ایران	۰	۰	۰	۱۸	۱۴	۴۵	۹۱	۱۶۸
مجموع	۵	۲۲	۱۶	۷۱	۴۷	۱۱۱	۱۷۹	۴۵۱

سرانجام جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی ایران خاتمه یافت. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیرماه ۱۳٦۷، یعنی حدود یک سال پس از تصویب آن توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، نیز ماشین جنگی عراق را متوقف نکرد و حملات آن همچنان تداوم یافت و در نهایت صدام حسین، با تجهیز مجاهدین خلق برای حمله به خاک ایران نشان داد که جنگ را از موضع قدرت دنبال می‌کند. اگرچه هیچ‌کدام از این تلاش‌ها به نتیجه دلخواه عراق نرسید، اما ارتش عراق همچنان تا ۲۹ مرداد، یعنی تاریخ رسمی آتش‌بس بین دو کشور به عملیات خود ادامه داد. با وجود این جنگ در دریا در زمان پذیرش آتش‌بس از سوی ایران تقریباً خاتمه یافته تلقی گردید و رویداد مهمی در این دوران به وقوع نپیوست.

---

۱ منابع واشنگتن پست ۱۳ اکتبر ۱۹۸۷ نیویورک تایمز ۱۰ ژانویه ۱۹۸۸ با اندکی اختلاف آمار در سال ۱۹۸۷

روزشمار کلی درگیری نیروی دریایی سپاه با امریکا در جنگ تحمیلی

تاریخ ۱۳۶۶/۴/۳۱، سوپرنفت‌کش بریجتون در ۲۷ کیلومتری جنوب‌شرقی کویت با مین برخورد کرد. انفجار به حدی بود که خبرنگاران و ملوانان روی عرشه بریجتون به دریا پرتاب شدند.[۱]

در تاریخ ۱۳۶۶/۵/۱۹، کشتی امریکایی با پرچم پاناما در آب‌های عمان و سه روز پس از مانور شهادت در خلیج فارس با مین برخورد کرد.[۲]

در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۱۲، قایق‌های تندرو سپاه مأموریت یافتند پایانه نفتی رأس‌الخفجی عربستان را مورد حمله قرار دهند که با دخالت ناوگان امریکا منتفی شد. این قایق‌ها از جزیره فارسی در ۱۲۰ کیلومتری آمده بودند. قایق‌های سپاه در همین حال، کشتی ردالکبری عربستان را مورد حمله قرار دادند.[۳]

---

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۲۷، ۶۶/۵/۳.
رادیو بی‌بی‌سی ۶۶/۵/۲.
محمد درودیان، شلمچه تا حلبچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص۹۷.
۲. محمد درودیان، همان، ص۱۱۸.
۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره۱۹۸، ٦٦/۷/۱۲.
یونایتدپرس ٦٦/۷/۱۱.
محمد درودیان، همان، ص۱۳٦.

در روز ۱۳۶۶/۷/۱۶، در درگیری پنج فروند هلی‌کوپتر امریکایی با پنج فروند قایق تندرو سپاه، سه قایق سپاه غرق و دو نفر شهید شدند و یک فروند هلی‌کوپتر امریکایی سقوط کرد.[۱]

در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲۳، یک هفته پس از درگیری بالگردهای امریکایی با قایق‌های ایرانی، اصابت یک فروند موشک کرم ابریشم به کشتی نفت‌کش امریکایی سانگاری در ساحل کویت، موجب شد ۱۸ نفر، از جمله ناخدای کشتی مجروح شوند.[۲]

در روز ۱۳۶۶/۷/۲۷، امریکا به سکوی نفتی رشادت حمله کرد. این سکو دارای دو جایگاه می‌باشد (R4 و R7) که امریکایی‌ها آن را منهدم کردند.[۳]

امریکا پس از ناکامی در تلاش‌های سیاسی و نظامی، با هدف به دست گرفتن ابتکار عمل، طرح تحریم خرید نفت ایران را صادر کرد. پیرو این موضع‌گیری صریح، اروپا و ژاپن اعلام کردند تنها از فروش سلاح به ایران خودداری خواهند کرد.

تا پایان سال ۱۳۶۶، هواپیماهای عراقی به حملات بی‌امان خود علیه بنادر، جزایر، کشتی‌ها و نفت‌کش‌ها ادامه دادند و سپاه نیز موضوع کاشت مین و زدن کشتی‌های باری را در دستور کار داشت.

---

۱. محمد درودیان، همان، ص۱۳۷.
۲. همان، ص۱٤۱. و: خبرگزاری فرانسه، ٦٦/۷/۲۳.
۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه شماره۲۱٤، ٦٦/۷/۲۸.
منامه، یونایتدپرس، ٦٦/۷/۲۷.
محمد درودیان، همان، ص۱٤٥.

در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۶، کشتی جنگی امریکا به نام ساموئل رابرتز با مین برخورد کرد و قایق‌های توپدار سپاه با کشتی امریکایی ویلیتاید در سواحل امارات درگیر شدند.[۱]

در روز ۱۳۶۷/۱/۲۹، امریکا سکوهای نفتی نصر و سلمان را با گلوله و موشک منهدم کرد و متعاقب آن با نیروی دریایی ارتش درگیر شد.

در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۲، ناو وینسنس در تعقیب قایق‌های گشت سپاه و در اقدامی وحشیانه، هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰ سرنشین را در آب‌های خلیج فارس هدف قرار داد و سرنگون ساخت.[۲]

---

۱. فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق، شماره۷.
مجله نگین ایران، آنتونی کردزمن، ترجمه پریسا کریمی‌نیا، ص۷۰.
۲. محمد درودیان، پایان جنگ، ص۱۰٦.

راهبرد دریایی عراق در جنگ تحمیلی

عراق از نظر دریایی فاقد سواحل و جزایر راهبردی در خلیج فارس می‌باشد. وضعیت ژئوپولتیک این کشور در حاشیه شمال‌غرب خلیج فارس نشان‌دهنده حداقل دسترسی این کشور به آب‌های آزاد است که از طریق خور عبدالله و آبراه اروندرود صورت می‌پذیرد. این آبراه‌ها نیز به راحتی در زیر دید و تیر مستقیم کشورهای همجوار عراق یعنی ایران و کویت قرار دارند. در واقع زمانی که عراق به عنوان بخشی از سرزمین‌های تحت قیمومت و کنترل امپراتوری عثمانی قرار داشت، این محدودیت به دلیل در اختیار داشتن سایر مناطق عربی خلیج فارس توسط دولت عثمانی احساس نشده و عراق بخشی از یک سرزمین بزرگ‌تر به حساب می‌آمد. با پایان گرفتن جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ و شکست امپراتوری عثمانی سرزمین عراق نیز تحت قیمومت انگلیس درآمد و سپس در سال ۱۹۳۲ قیمومت انگلستان به پایان رسید و این کشور رسماً به استقلال دست یافت.

در همان سال، عراق به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عراق سرزمینی ساختگی بوده و حدود آن نیز بر اساس توافقات دول فاتح در جنگ و در این مورد خاص با خواست و توافق به‌عمل آمده بین دول فرانسه و انگلیس شکل گرفت و به ویژه این محدودیت به شکل‌گیری کشور کویت در مجاورت عراق بازمی‌گردد که دسترسی بیشتر عراق به آب‌های آزاد را با محدودیت روبرو نموده است.

ماهیت سواحل و بنادر این کشور به گونه ای است که اجازه تبدیل عراق به یک قدرت دریایی را نمی‌دهد، زیرا یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری قدرت دریایی داشتن سواحل و جزایر گسترده و دسترسی آسان به آب‌های آزاد و امکان پشتیبانی مستمر و مطمئن از ناوگان جنگی

برای حضور مقتدرانه و متناسب با تهدیدات در دریا است.[۱] بررسی تجهیزات دریایی عراق نیز همین واقعیت را روشن می‌نماید. در واقع نیروی دریایی عراق تا آغاز تهاجم به ایران دارای یگان‌های شناور سبک و کرانه‌ای بود که ستون فقرات آن را ناوچه‌های موشک‌انداز کلاس اوزا مجهز به موشک‌های استیکس[۲] تشکیل می‌دادند.[۳] با توجه به این امر می‌توان استراتژی دریایی عراق را عمدتاً پدافند از سواحل و آبراه‌های مواصلاتی و پایانه‌های نفتی این کشور و وارد آوردن ضربات سریع در محدوده برد عملیاتی این ناوچه‌ها تلقی نمود. در ضمن به دلیل اینکه عراق در خلیج فارس فاقد جزیره بود، دو پایانه نفتی البکر و الامیه نقش جزایر و پوشش برای ناوچه‌های عراقی در هر گونه عملیات آفندی و پدافندی نزدیک را ایفا می‌نمودند. برای عملیات آفندی علیه منابع ایران در نقاط دور، نیروی دریایی عراق نیازمند همکاری سایر کشورهای عرب خلیج فارس مانند بحرین، قطر، عربستان و یا عمان و همچنین پوشش هوایی مناسب و استفاده از اصل غافلگیری بود که با اشرافیت اطلاعاتی و برتری عملیاتی نیروهای خودی در سراسر خلیج فارس عملاً از توان و اراده آن خارج بود. در واقع نیروی دریایی عراق باید از یک خور نسبتاً کم‌عرض و دارای مسیر

---

۱. در دوران جنگ سرد، اگرچه شوروی سابق نیز از دسترسی آسان به آب‌های آزاد محروم نبود، اما با دشواری روبرو بود. نیروی دریایی شوروی با استفاده از بنادر کشورهای بلوک شرق و متحدین خود در سراسر دنیا و همچنین استفاده گسترده از یگان‌های شناور پشتیبانی در دریا تا حدود زیادی این ضعف استراتژیک را جبران می‌کرد.

۲. استیکس (styx) در اساطیر یونانی به معنای رودخانه‌ای در زیر زمین است که ارواح مردگان را به دنیای دیگر می‌برد.

۳. حداکثر سرعت ناوچه‌های اوزای عراقی ۳۸ گره دریایی و با سرعت ۳۵ گره برد. این ناوچه‌ها ۵۰۰ مایل دریایی (حدود ۹۰۰ کیلومتر) است. برد موشک‌های استیکس نیز حداکثر ۲۴ مایل دریایی (۴۵ کیلومتر) بود.

طولانی مشابه یک لانه موش در مدخل خلیج فارس که به شدت از طرف نیروی دریایی و هوایی ایران تحت مراقبت بود بیرون آمده و اقدام به عملیات آفندی نماید.

استراتژی هر نیرویی را می‌توان متناسب با تجهیزات آن ارزیابی نمود، زیرا هیچ نیرویی بدون تجهیزات لازم، به ویژه در عملیات دریایی قادر به اجرای عملیاتی فراتر از مقدورات خود نیست. نیروی دریایی عراق در آغاز جنگ با ایران دارای تجهیزات زیر بود که آن را در مقیاس جهانی در حد یک نیروی دریایی کوچک قرار می‌داد:

توان رزمی نیروی دریایی عراق در شروع جنگ تحمیلی

نیروی انسانی

تعداد ۳۰۰۰ نفر افسر و درجه‌دار به علاوه نفراتی که خدمت وظیفه خود را انجام می‌دادند.

پایگاه‌های دریایی

ستاد فرماندهی نیروی دریایی عراق به عنوان کوچك‌ترین نیروی مسلح عراق با پانصد نفر در بصره قرار داشت. بندر ام‌قصر در خور عبداله در شمال خلیج فارس و بندر بصره در اروندرود دو پایگاه دریایی این کشور بود که در سال ۱۹۸۰ با شروع جنگ تحمیلی و بسته شدن اروندرود، پایگاه دریایی ام‌قصر به عنوان مهم‌ترین پایگاه دریایی عراق تا پایان جنگ به فعالیت خود ادامه داد.

یگان‌های شناور نیروی دریایی عراق [1]

۱.	ناو آموزشی با ظرفیت ۱۸۵۰تن	۱ فروند
۲.	ناو نیروبر کلاس polonochay	٤ فروند
۳.	ناوچه موشك‌انداز کلاس اوزا۱ (OSAI)	۱٤ فروند
٤.	ناوچه گشت ساحلی کلاس SO1	۳ فروند
٥.	ناوچه تندرو اژدرافکن کلاس P6	٦ فروند
٦.	ناوچه گشت ساحلی بزرگ کلاس Poluchat	۳ فروند
۷.	ناوچه گشتی بزرگ کلاس ZHUK	٥ فروند
۸.	ناوچه گشتی ساحلی کلاسMyryraT II	٦ فروند
۹.	ناوچه گشت ساحلی کلاس po2	۳ فروند
۱۰.	قایق ۳٦ فوتی کلاس ThormyctoT	۸ فروند
۱۱.	قایق ۲۱ فوتی کلاس ThormycroT	٤ فروند
۱۲.	کشتی مین‌روب اقیانوس‌پیما کلاس T-43	۲ فروند
۱۳.	کشتی مین‌روب ساحلی کلاس Ne&Tim	۳ فروند
۱٤.	کشتی مین‌روب رودخانه‌ای	۳ فروند
۱٥.	کشتی راهنما	۱ فروند
۱٦.	شناور غواصی	۱ فروند
۱۷.	کشتی آتش‌نشانی	۱ فروند
۱۸.	یدك‌کش	۱ فروند

1 . Jane's fithingships, 1978

با توجه به آمار فوق عراق قادر به اجرای عملیات زیر بود:

- ناوچه‌های موشک‌انداز نیروی دریایی عراق قادر بودند با پوشش هوایی مناسب از سواحل خود در برابر تهاجم یگان‌های شناور ایرانی پدافند کرده و در صورت به دست آمدن فرصت مناسب آنها را منهدم نمایند.[۱]
- ناوچه‌های موشک‌انداز عراقی قادر بودند و نیز توانستند بخشی از تأسیسات نفت فلات قاره ایران را که نزدیک به سواحل عراق بود مورد حمله موشکی قرار دهند.[۲]
- ناوچه‌های موشک‌انداز عراقی قادر بودند به بنادر نزدیک مانند بندر امام(ره) و پایانه‌های صادرات نفت خام خارک و سایر پایانه‌های نفتی تک نموده و آنها را مورد اصابت قرار دهند.
- ناوچه‌های عراقی در صورت داشتن اراده و بهره‌گیری از پوشش مناسب هوایی و یک طرح عملیاتی متهورانه قادر به اجرای تک علیه بنادر دورتر ایرانی مانند بندرعباس یا بوشهر بودند که هیچ‌گاه اجرا نشد.[۳]

---

۱. تخصص پایین و ضعف تاکتیکی مانع از اجرای مؤثر این اقدامات در برابر یگان‌های شناور نیروی دریایی جمهوری اسلامی می‌شد. در واقع نیروی دریایی عراق هیچ‌گاه نتوانست یک عملیات تهاجمی موفق را علیه نیروی دریایی جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی و اجرا نماید و تنها در عملیات مروارید ناوچه پیکان پس از اجرای موفقیت‌آمیز مأموریت محوله و انهدام چند ناوچه عراقی مورد اصابت چند فروند موشک استیکس قرار گرفت و غرق شد.

۲. اگرچه تعدادی از سکوهای نفتی ایران مانند اردشیر و نوروز و بحرگان مورد اصابت قرار گرفته و منهدم شدند، اما هیچ‌گاه عملیات مراقبت و کنترل دریایی از روی این سکوها متوقف نگردید.

۳. این‌گونه عملیات‌ها در صورت اجرا به دلیل اجبار به نزدیک شدن زیاد به سواحل ایران و دوری از پایگاه‌های مادر، نیازمند پوشش هوایی مناسب بودند، زیرا در صورت موفقیت قطعاً در مسیر بازگشت مورد شناسایی و انهدام توسط یگان‌های پروازی و شناور ایرانی قرار می‌گرفتند.

یگان‌های نیروبر عراقی برای اجرای عملیات تصرف سواحل یا جزایر ایرانی با توجه به وضعیت شمال خلیج فارس و تسلط ایران بر پهنه دریا امکان نزدیک شدن به سواحل و جزایر را نداشتند. ضمن آنکه نیروی دریایی این کشور از نظر تجربی بعید بود قادر به انجام اینگونه عملیات پیچیده باشد که نیازمند آتش پشتیبانی هوایی و دریایی و پشتیبانی‌های گسترده لجستیکی بعد از عملیات تصرف هدف است.

بنابراین با توجه به عملیات دو طرف در دو سال اول جنگ در دریا، می‌توان اذعان داشت که نیروی دریایی عراق یک نیروی کرانه‌ای با اهداف پدافندی از آب‌های سرزمینی و تک محدود علیه شناورهای دشمن و یا تأسیسات نفت و گاز آن در محدوده آب‌های نزدیک به سواحل عراق برای برخورداری از پشتیبانی هوایی و امکان بازگشت سریع به بنادر مادر برای در امان ماندن از تهدیدات دریایی و هوایی ایران بود.

در واقع پس از عملیات ۷ آذر نیروی دریایی عراق دیگر حضور مستمر و واقعی در دریا نداشت و عمده فعالیت آن در حد گشت‌های دریایی در محدوده آب‌های ساحلی آن و یا حملات شبانه علیه تأسیسات نفتی فلات قاره ایران که در نزدیکی سواحل عراق قرار داشتند بود. اما عراق با توجه به ضعف و آسیب‌پذیری حضور شناورهای این کشور در دریا در دوران تخاصم دریایی به موازات افزایش توان رزمی خود در دریا نسبت به خرید سلاح‌های ضدناو هواپایه و یگان‌های پروازی بکارگیرنده این تجهیزات نیز اقدام کرد. از این رو در سال ۱۹۷۸، طی قراردادی با فرانسه نسبت به خرید ۱۶ فروند بالگرد سوپر فرلون از نوع Super Frelon SA321 H مجهز به موشک هوا به سطح اگزوسه از نوع AM 39 اقدام نمود. تا سال ۱۹۸۰ (شروع جنگ تحمیلی) برابر گزارشات ارائه‌شده تعداد هشت فروند از این

بالگردها را از فرانسه تحویل گرفته بود. این بالگردها در اختیار نیروی هوایی عراق قرار گرفته بود تا علیه کشتی‌ها و شناورهای جنگی مورد استفاده قرار گیرد.

پس از نابودی بخش مهمی از شناورهای عراقی در ابتدای جنگ، از این پس عراق استراتژی حضور و بهره‌گیری از شناورهای رزمی برای تسلط بر شمال خلیج فارس و ممانعت از صادرات و واردات کالا و نفت خام ایران را عملاً غیرممکن می‌بیند و لذا استراتژی نبرد دریایی بدون استفاده از شناورهای رزمی و با استفاده از یگان‌های پروازی و انواع موشک‌های ضدکشتی از طریق هوا و ساحل را در دستور کار خود قرار می‌دهد. در واقع نیروی هوایی عراق وظیفه اجرای مأموریت نیروی دریایی این کشور را نیز بر عهده می‌گیرد، زیرا تمامی جنگنده‌های میراژ، سوپراتاندارد و بالگردهای سوپرفریلون مجهز به موشک‌های اگزوسه در اختیار نیروی هوایی عراق قرار داشتند. البته عراق در تمام مدت جنگ قطع صادرات نفت و تجارت دریایی ایران را از طریق حمله به بنادر امام و جزیره خارک دنبال می‌کرد. علاوه بر حملات هوایی، به دلیل موقعیت خاص سواحل ایران در شمال خلیج فارس که عمدتاً بسیار پست و تقریباً هم‌سطح دریا می‌باشند، عراق قادر بود از طریق پرتاب موشک‌های ضدکشتی کرم ابریشم از داخل خاک خود به راحتی عبور کاروان‌های کشتی‌های تجاری به بندر امام را مورد تهدید قرار دهد و تعدادی از آنها را منهدم نماید. اما پایانه‌های صادرات نفت خام جزیره خارک در برد این موشک‌ها قرار نداشتند و عراق از طریق بمباران‌های هوایی به طور مداوم به این جزیره حمله می‌کرد. جنگنده‌ها و بالگردهای فرانسوی حامل موشک‌های اگزوسه نیز وظیفه داشتند به طور مستمر تانکرهای حامل نفت خام ایران را مورد هدف قرار داده و در صادرات نفت ایران اخلال جدی ایجاد نمایند.

البته این استراتژی به مراتب بیشتر از عملیات ناوچه‌های عراقی به منافع و امنیت کشتیرانی ایران درخلیج فارس آسیب وارد می‌کرد، زیرا در آن زمان ایران امکانات لازم هوایی و دریایی علیه این تهاجمات را نداشت و عمده واکنش نیروهای مسلح ایران پدافند غیرعامل بود. دامنه این تهاجمات اگرچه به صورت محدود و نمادین حتی تا حوالی بندرعباس نیز کشیده شد، اما این استراتژی نیروی دریایی عراق با توجه به مؤثر بودن آن تا پایان جنگ همچنان ادامه یافت.

حقوق جنگ دریایی[1]

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹)، عراق اقدام به تهاجم نظامی گسترده‌ای علیه سرزمین جمهوری اسلامی ایران کرد. در همان روز ، ایران با اعمال محدودیت‌هایی در خصوص آزادی کشتیرانی در خلیج فارس، از خود واکنش نشان داد.

در ژوئن ۱۹۸۲(خرداد ماه ۱۳٦۱)، بعد از اینکه ایران نیروهای عراقی را به نحو موفقیت‌آمیزی از سرزمینش عقب راند، به نوبه خود، عملیات نظامی را در سرزمین دشمن پیگیری کرد. عراق به این منظور که ایران را وادار به پذیرش پیشنهادات صلحش کند، تصمیم گرفت که صدور نفت ایران از طریق دریا را قطع کند. در این راستا، مرحله به مرحله پایانه‌های نفتی، سکوهای استخراج و نفت‌کش‌های حامل نفت ایران را هدف حملات هوایی خود قرار داد.

واکنش ایران، تشدید بازرسی کشتی‌های بی‌طرف به منظور شناسایی قاچاق جنگی به مقصد عراق بود. به علاوه، نقض تعهد بی‌طرفی از سوی برخی دولت‌های حاشیه خلیج فارس ایران را کم و بیش مجبور به حمله به نفت‌کش‌هایی کرد که عازم این کشورها بوده و یا از آن کشورها بارگیری کرده بودند.

در نهایت، ورود بخش عمده‌ای از ناوگان جنگی ایالات متحده به خلیج فارس و در نتیجه، تشدید بحران در منطقه، موجب اقدامات محدود نظامی

---

۱. بر اساس مقاله‌ای ترجمه شده از دکتر جمشید ممتاز،استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و حسین شریفی طراز کوهی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

علیه اهداف ایران گردید. در این راستا زمینه اقدامات به تدریج به منطقه دریایی کشانده شد که مسائل حقوقی پیچیده‌ای را به دنبال داشت.[۱]

محدودیت‌های وارد بر آزادی کشتیرانی

در جریان چند ماه اول جنگ، وزارت راه و ترابری و نیز سازمان بنادر و کشتیرانی ایران به ابتکار فرماندهی کل نیروی دریایی، چندین اطلاعیه خطاب به دریانوردان صادر کردند. بر اساس این اطلاعیه‌ها، ایران به منظور کنترل کشتیرانی، یک منطقه جنگی در طول سواحل خود در خلیج فارس ایجاد و اقدام به محاصره دریایی عراق کرد.

منطقه جنگی ایران

این منطقه که در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹) اعلام شد، آب‌های بین ساحل ایران و یک خط را که با ترسیم خطوط مستقیمی، تقریباً ۱۲ مایلی جنوب جزایر ابوموسی و سیری را به جنوب "Cable Bank Light"[۲] و ۱۲ مایلی جنوب‌شرقی جزیره فارس وصل می‌کرد، دربرمی‌گرفت. این جزایر، جنوبی‌ترین جزایر ایران در خلیج فارس هستند، لذا بر خلاف ادعاهایی که شده است،[۳] ایران هرگز منطقه جنگی خود را به تنگه هرمز توسعه نداده ، بلکه در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۰

---

۱ در خصوص گاه شمار جنگ و حوادث عمده آن رجوع کنید به:

P .Balta (c.d.) Le Conflit Iran-Irak 1979-1989 notes et Etudes documentaries, no.4889 (1989-14)

۲. تخته سنگی است که بر روی آن چراغ دریایی تعبیه شده است.

۳ نکاه کنید به :

S.H.amin , international and Legal Problems of the Gulf (1984). Pp.53 ff Taken Up by N.Ronzitti, "Passage through international staits in the Time of international Armed conflicts : in International Law at the Time of its Condification. Essays in Honour of Roberto Ago (1987) , Vol II,P.373

مهر ماه ۱۳۵۹)، تعهد خود را به بار نگه داشتن تنگه مزبور جهت کشتیرانی، مورد تأکید مجدد قرار داد.[۱]

ایران با ایجاد این منطقه جنگی دو هدف متفاوت را دنبال می‌کرد: هدف اول تأمین امنیت ایران بود؛ ایران قصد داشت با ایجاد منطقه جنگی، از ساحلش در برابر تعدی و تجاوز احتمالی کشتی‌ها و به مخاطره افتادن امنیت ملی، حفاظت کند. به این دلیل کشتی‌های خارجی که خواستند از منطقه مزبور عبور کنند، بایستی قبلاً از مقامات صلاحیت‌دار درخواست مجوز می‌کردند.

بر این اساس کشتی‌هایی که می‌خواستند وارد یک بندر ایرانی شوند، می‌بایستی قبل از عبور از رأس‌الکوه در مدخل تنگه هرمز، با مقامات بندرعباس تماس گرفته و خط سیر کشتی را به اطلاع آنها برسانند.

کشتی‌هایی که مقصد آنها بندر یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس بود، به دلایل امنیتی سابق‌الذکر، تحت مقررات شدیدتری بودند، لذا هر کشتی که چنین قصدی داشت، موظف بود که قبل از ورود با مرکز فرماندهی نیروی دریایی ایران تماس گرفته، اطلاعاتی مانند مبدأ حرکت، مقصد، مسیر، سرعت، زمان حرکت و تمام مشخصاتی را که تشخیص بعدی کشتی را فراهم ساز ، در اختیار آنان بگذارد.

در هر دو مورد، هدف این بود که مقامات، قادر به تشخیص کشتی‌های دشمن شده و مانع نزدیکی آنها به منطقه جنگی شوند.

---

۱. نامه وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به دبیر کل سازمان ملل متحد ، سند شماره S/۱٤/۲۲٦ سازمان ملل

دومین هدف ایران، تضمین کشتیرانی بین‌المللی بود. همان طور که به کرات گفته شد، تردد در منطقه مزبور، به علت وقوع عملیات جنگی، می‌توانست برای کشتیرانی بین‌المللی خطراتی دربرداشته باشد. ایران بدون اینکه قصد ایجاد منطقه ممنوعه را داشته باشد، به کشتی‌های خارجی توصیه می‌کرد که با استفاده از خطوط کشتیرانی خارج از منطقه مزبور، از منطقه جنگی اجتناب ورزند تا به این واسطه از هرگونه خسارات احتمالی که ممکن بود در عبور از منطقه به آنها وارد شود، رفع مسئولیت کند. پس از آنکه در مورد خطرات احتمالی هشدار لازم داده می‌شد، ضرر و زیان احتمالی به کشتی‌هایی که اصرار به کشتیرانی از طریق منطقه مزبور را داشتند، به عهده خودشان بود.

به منظور تأمین ایمنی کشتی‌هایی که مبدأ و یا مقصدشان بنادر ایرانی بود، فرماندهان چنین کشتی‌هایی بایستی تضمین می‌دادند که قبل از انجام هر عملی، هماهنگی‌های لازم را با نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به عمل آورند و در عین حال وضعیت و موقعیتشان را در خلیج فارس هر یک ساعت یک بار به بندر ایرانی مربوطه اطلاع دهند.

منطقه جنگی ایران مشابه منطقه جنگی‌ای بود که توسط ژاپن، طی جنگ با روسیه در سال ۱۹۰٤ به منظور دور نگه داشتن کشتیرانی بین‌المللی از سواحل ژاپن، به عرض ۱۰ مایل ایجاد شده بود.[1] منطقه مزبور با مناطقی که هم در جنگ‌های بین‌المللی و هم در جنگ فالکند و

1. R.J. Dupuy- D. Vignes (eds) , traite du nouveau droit de la mer (1985) , p1099.

نیز منطقه‌ای توسط عراق در ۷ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۵ مهرماه ۱۳۵۹) ایجاد شده، تفاوت داشت.[۱]

در این موارد هر کشتی‌ای که اقدام به ورود به آن مناطق را (که معمولاً مناطق ممنوعه نامیده می‌شوند) می‌کرد، به خودی خود به عنوان کشتی دشمن و متجاوز تلقی شده، سزاوار حمله بدون اخطار قبلی می‌بود. ایجاد چنین منطقه‌ای، عملی غیرقانونی و مغایر با اصل آزادی کشتیرانی بوده و در تعارض با مفهوم بی‌طرفی است.

«تا آنجا که منطقه جنگی اعلام شده هدفش تضمین امنیت در آب‌های نزدیک سرزمین ایران می‌باشد، این امر نیز از نظر حقوقی قابل اعتراض نیست.»[۲]

به واقع «اهداف دفاعی ایران در اعمال محدودیت نسبت به مناطق نزدیک ساحل خود و مداخله محدودش در خطوط کشتیرانی بین‌المللی هم، به این نظریه منتهی می شود که اقدامات ایران معقول بوده و لذا تحت چنین شرایطی قابل توجیه است.»[۳]

محاصره دریایی ساحل عراق توسط ایران

به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹)، ایران بدون اشاره صریح به برقراری یک محاصره دریایی، اعلام نمود که از دسترسی

---

1. R.leckon , " The Iran-Iraq Conflict in the Gulf: the Law of war Zoned:, Internationaland Compat=rative Law Quarterly. Vol. 37 . pp 637 ff

2. F.V.Russo , Jr, "Neutrality at sea in Transition. States Practice in the gulf War as Emerging International Customary Law:, Ocean Development and International Law, Vol .19 (1988). P.389

3. R.Lecckon, op.cit,Supra, note 10

کشتی‌ها به بنادر عراق جلوگیری خواهد کرد. این امر بدون تردید قطع ارتباطات دشمن با ساحل بود.

برتری ناوگان دریایی ایران نسبت به عراق، نابودی بخش عظیمی از نیروی دریایی عراق در جریان روزهای اول جنگ و نیز طول کم سواحل عراق، در اعمال مؤثر محاصره دریایی توسط نیروی نظامی مکفی در طول جنگ، عوامل مهمی بودند.[۱] هیچ گونه تلاشی برای شکستن محاصره توسط کشتی‌های تجاری صورت نگرفت؛ تنها با چند کشتی کوچک ناوگان عراق در بندر ام‌القصر، بدون آنکه موفق شوند به دریاهای آزاد دسترسی پیدا کنند، تلاش‌هایی به عمل آوردند.

از اول اکتبر ۱۹۸۰ (۹ مهر ۱۳۵۹)، ایران محاصره دریایی را به اروندرود توسعه داد، انسداد این آبراه بر اساس این واقعیت توجیه می‌گردید که عراق با عمل تجاوزکارانه‌اش به شدتامنیت کشتیرانی در این آبراه را به مخاطره انداخته است.

با وجود این، جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود: «وقتی که تجاوز خاتمه یابد و حالت صلح اعاده شود، همه مقررات مربوط به کشتیرانی در اروندرود که توسط دفتر همکاری مشترک ایران ـ عراق[۲] اعمال می‌شده است، همچون گذشته اجرا خواهد شد.»

این دفتر که بر اساس توافقنامه ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ (۵ دی ۱۳۵٤) بین ایران و عراق در مورد مقررات ناظر بر کشتیرانی در اروندرود و ضمیمه

---

۱. مطابق پاراگراف ٤ اعلامیه پاریس « محاصره برای الزام آور بودن باید موثر باشد، یعنی باید با قوای کافی اعمال گردد، به طوری که دسترسی دشمن به سواحل واقعا عیر ممکن شود.»

2 . The Iran and Iraq Common Bureau of coordination (C.B.C)

«عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری» ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ (۲۳ خرداد ۱۳۵٤) ایجاد شد، مسئول امنیت کشتیرانی در این آبراه و تهیه مقررات مربوط به آن می‌باشد.[۱]

اگرچه هیچ چیزی از انسداد یک آبراه توسط یک دولت در حال جنگ ممانعت نمی‌کند،[۲] اما دلایلی که به انجام چنین عملی توسط ایران منجر شد، کاملاً روشن نیست و ضرورتی نداشت، چوم محاصره سواحل عراق دهانه اروند را نیز دربرمی‌گرفت و انهدام کشتی‌ها در اروند در روزهای اول جنگ عملاً کشتیرانی در این آبراه را غیرممکن کرده بود.

توسعه محاصره دریایی به اروندرود، فرصتی برای تثبیت و تأکید بر اعتبار معاهده ۱۹۷۵ ناظر بر مرز دولتی و حسن همجواری به ایران اعطا کرد که به طور یک‌جانبه توسط عراق در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲٦ شهریور ۱۳۵۹) فسخ شده بود.[۳]

اگرچه متعاقب پذیرش پروتکل اول الحاقی به عنوان کنوانسیون ژنو ۱۹٤۹، تردیدهایی در مورد مشروعیت محاصره‌های دریایی[٤] ابراز گردید، اما دکترین تقریباً به اتفاق آرا، محاصره دریایی را به عنوان نوعی از عمل خصمانه

---

1. Motaz , " Le statut juridique du chatt-el-Arab dans sa perspective historique" , in Actualites juridiques et politiques en Asie, Etudes a la memoire de Tran van Minh (1988) , pp.59 ff.

۲. شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه ، ترجمه علی هجنی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۹۸۳، ص ۲٦۹ . در طول جنگ کریمه، دهانه‌های دانوب به وسیله اسکادران franco-british مسدود گردید.

۳. سند شماره S/۱٤۲۳٦ ، ۲٤ اکتبر ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد

4. E.Rauch , The Protocol Additional to the Geneva Conventions for the Protection of Victims of International Armed Conflict and the United Nations Convention on the Law of the Sea : Repercussions on the Law of Naval Warfare (1984)

مطابق با حقوق جنگ نشأت‌گرفته از اعلامیه پاریس (۷ آوریل ۱۸۵٦) و تأکید شده توسط اعلامیه لندن (۲٦ فوریه ۱۹۰۹) مورد توجه قرار می‌دهد.[۱]

با وجود این عراق که به محاصره دریایی سواحلش معترض بود، تصمیمش را مبنی بر ایجاد منطقه‌ای ممنوعه در شمال‌شرقی خلیج فارس به عنوان یک اقدام تلافی‌جویانه توجیه می‌کند.[۲]

اینجا باید یادآور شد که اقدامات تلافی‌جویانه بایستی مستقیماً متوجه دولت یا منافع دولتی باشد که مسئول نقض حقوق بین‌الملل است، در حالی که ایجاد منطقه ممنوعه منافع دولت‌های بی‌طرف را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

مقابله با موارد نقض تعهدات دول بی‌طرف

باید تمایزی بین تعهد کشتی‌های بی‌طرف به عدم حمل قاچاق برای دول متخاصم و تعهد به عدم جانبداری و بی‌طرفی از سوی دولت‌های بی‌طرف قائل گردید.

بازرسی کشتی‌های بی‌طرف و توقیف قاچاق جنگی

در ۱۲ اوت ۱۹۸۱ (۲۱ مردادماه ۱۳٦۰)، جمهوری اسلامی ایران در مدخل ورودی تنگه هرمز، کشتی دانمارکی Elsa Cat را که تجهیزات نظامی به مقصد عراق حمل می‌کرد، توقیف نمود.[۳]

---

1. N.Ronzitti (ed) ,The Law of Naval Warfare. A Collection of Agreement and Documents with Commentaries (1988), p.1.

۲ . نامه وزیر امور خارجه عراق به دبیر کل سازمان ملل متحد. ۱۹ اکتبر ۱۹۸٤

3. C.Rousseau, " Chronique des faits internationaux" , Revue generale de droit international public, Vol.86 (1982) pp. 812 ff.

از ۱۹۸۵ (۱۳٦٤) به بعد، نیروی دریایی ایران به طور منظم کشتی‌های بی‌طرف مشکوک به حمل قاچاق جنگی به مقصد عراق را بازرسی می‌کرد. بنا به گفته فرماندهی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، تا پایان سال ۱۹۸٦ (۲۸ دی‌ماه ۱۳٦۵) بیش از ۱۰۰۰ کشتی بازرسی شده است.[۱] مطابق ماده ٦۱ اعلامیه لندن، تنها کشتی‌هایی که به صورت کاروان توسط کشتی‌های جنگی کشورشان اسکورت می‌شدند، از بازرسی معاف هستند. البته این استثنا، در صورتی که ثابت شود اسکورت توأم با حسن نیت نبوده، بلکه به منظور اعطای مصونیت به کشتی حامل قاچاق جنگی صورت گرفته است، می‌تواند مورد اعتراض واقع گردد.

این مطلب در مورد تغییر پرچم، صرفاً به منظور برخورداری از حمایت کشتی‌های جنگی خارجی مصداق دارد.[۲] شاهد مثال آن موردی است که بخشی از ناوگان نفت‌کش کویت تحت پرچم ایالات متحده امریکا قرار گرفت؛ با وجود این، نیروی دریایی ایران ترجیح داد که از اعمال حق بازرسی خود، خودداری کند.

افزایش تعداد مواردی که محموله کشتی‌های بازرسی‌شده توقیف گردید، سبب شد که قوه مقننه ایران اقدام به تصویب قانون «نحوه رسیدگی به دعاوی مربوط به غنایم جنگی در ۱۷ نوامبر ۱۹۸۷ (۱۱ بهمن ۱۳٦٦)» بکند. همان گونه که عنوان قانون مزبور دلالت دارد، این قانون به قاچاق جنگی در مفهوم مضیق کلمه محدود نیست، بلکه یک قلمرو

---

۱. روزنامه رسالت، ۱٤ دی ۱۳٦٦

۲. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیع جمهوری اسلامی ایران، اداره حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، جلد دوم، ص ۱۱۹

وسیع‌تری را شامل می‌گردد. این قانون نه تنها برای رسیدگی به اختلافات ناشی از توقیف اشیاء و کالاها به عنوان قاچاق جنگی، بلکه همچنین در مورد اختلافات ناشی از توقیف و تصفیه کالاهای متعلق به دشمن و اتباعش نیز تسری دارد.

کالاهایی را که می‌توان توقیف کرد

مطابق قانون ایران، کلیه اموال، کالاها، وسائط نقلیه و تجهیزات متعلق به دولت‌هایی که با ایران در حال جنگ باشند، بی‌درنگ متعلق به ایران می‌شود؛ تا آنجا که به دیگر کالاها مربوط می‌شود، کسانی که اموال و کالاهای مزبور متعلق به آنهاست، نوع و مقصدشان باید در آن واحد مورد توجه قرار گیرد.[۱]

دو دسته از کالاها، اموال و وسائط نقلیه متعلق به دول بی‌طرف، اتباع آنها یا تبعه دشمن را می‌توان توقیف کرد: آن کالاهایی که حملشان به سرزمین دشمن، مجاز تلقی نشده است (ایران هنوز فهرستی از این کالاها تنظیم نکرده است) و همه کالاهایی که مقصد نهاییشان، اعم از مستقیم و غیر مستقیم، سرزمین دشمن است، در صورتی که توان نظامی دشمن را به طور مؤثر افزایش دهد.

این معیار دوگانه ای بود که ایران در طول جنگ به آن استناد کرد؛ بدین منظور که کالاهای واقع در عرشه کشتی‌های بی‌طرف را به عنوان قاچاق جنگی تلقی و آنها را ضبط کند.

---

۱. ماده ۳ قانون رسیدگی به دعاوی مربوط به غنائم جنگی ایران.

کالاهای به مقصد دشمن

در نتیجه محاصره مؤثر سواحل عراق و انسداد دهانه بر اروندرود روی کشتی‌ها، هیچ کشتی بی‌طرفی قادر نبود که در جریان مخاصمه به بنادر عراق دسترسی پیدا کند. با در نظر گرفتن تناژ تخلیه‌شده در بندر کویت، مقامات ایرانی تردید کردند که آن کشور تسهیلاتی را جهت انتقال کالا به مقصد عراق، از طریق سرزمینش (حتی از آغاز جنگ) فراهم می‌آورد. بر این اساس نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های ویژه‌ای را برای بازرسی کشتی‌هایی که عازم کویت بودند[۱] و توقیف کالاهایی که ثابت می‌شد مقصد نهاییشان سرزمین دشمن است، به عمل آورد. لذا در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۵ مقامات ایرانی کشتی المحرق Al. Muharaq را که تحت پرچم کویت و به مقصد آن کشور هدایت می‌شد، بازرسی کرده و پنج تن از اموالی را که آشکارا به مقصد عراق بود، توقیف کردند. این عملکرد مطابق حقوق بین‌الملل بود و چون چندین بار تکرار شده بود، افزایش غیرعادی صادرات به کشورهای هم‌مرز سرزمین دشمن در مواردی مبنای توقیف محموله‌ها بود.[۲]

---

۱. فهرست کشتی‌های بازرسی شده به وسیله نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران:
T.S. Schiller , The Gulf War and Shipping : Recent Developmets, in B.A. H. parritt (ed) , Violence at sea, 2nd ed (1986), pp. 114 ff.

بر اساس این تحقیق تقریبا همه کشتی های بازرسی شده در فاصله زمانی بین سپتامبر ۱۹۸۵ تاژانویه ۱۹۸٦ به مقصد کویت بوده اند.

2. D.P. O'Connell , the international Law of the sea (1984) .edited by I.A. sheatrer, Vol . 2 , P. 145

کمک به افزایش توان رزمی دشمن

درآغاز این سوال مطرح است که آیا منظور قانونگذار ایرانی، محدود کردن مفهوم تعریف قاچاق جنگی به ابزار جنگی و یا اشیاء و کالاهایی است که صرفاً کاربرد نظامی دارند؟ به عبارت دیگر منظور از قاچاق جنگی همان قاچاق مطلق است؟[۱] این ابهامی است که باید روشن شود. این تفسیر مضیق از قاچاق جنگی برخی نظریات ابراز شده می‌باشد.

انگلستان مسئله را این‌گونه مورد بررسی قرار داده است که: «ایران که به طور فعال وارد یک مخاصمه شده است، در اعمال حق ذاتی دفاع مشروع، دارای حق توقیف و بازرسی کشتی‌های تجاری خارجی در دریای آزاد می‌باشد؛ در صورتی که دلایل قابل قبولی داشته باشد که کشتی‌های مزبور برای طرف دیگر جهت استفاده در مخاصمه، سلاح حمل می کنند.»

در این راستا، خاطر نشان گردیده است که چنین تعریفی از قاچاق جنگی، بهترین حمایت از افراد غیرنظامی است و لذا مطابق پروتکل الحاقی شماره ۱ کنوانسوین‌های ژنو ۱۹۴۹ می‌باشد.

عملکرد ایران در طول جنگ مبتنی بر یک تفسیر موسع از قاچاق جنگی بوده است. به نظر جمهوری اسلامی ایران، هرگونه کالایی، اعم از اینکه مستقیم یا به طور غیرمستقیم در جنگ، مفید و مؤثر واقع شود، قابل توقیف است. عملکرد مزبور، هماهنگ با تحولات زمان جنگ جهانی دوم است که در مقام نسخ هرگونه تمایز بین قاچاق مطلق و نسبی برآمدند.[۲]

---

۱. ماده ۳ (۲) ، قانون نحوهرسیدگی به دعاوی مربوط به غنایم جنگی ایران.

۲. شارل روسو ، پیشین ، صفحات ٤٦٧ به بعد

از آن پس مقتضیات جنگ اقتصادی، کشورهای در حال مخاصمه را به این جهت سوق داد که تجارت دریایی دشمن را که تحت پرچم‌های بی‌طرف به عمل می‌آید، به طور کامل متوقف کنند.

توقیف کشتی‌های بی‌طرف حامل قاچاق جنگی

در این مورد، قانونگذار ایرانی علی‌الظاهر حقوق بین‌الملل، به ویژه اعلامیه ۱۹۰۹ لندن را که انعکاسی از یک قاعده مسلم حقوق بین‌الملل عرفی است، مورد توجه قرار نمی‌دهد.[۱] در واقع با ماده ٤٠ اعلامیه مزبور، یک کشتی حامل قاچاق جنگی، در صورتی که قاچاق مزبور «بر حسب ارزش، وزن، حجم یا کرایه» بیش از نصف محموله کشتی باشد، محکوم می‌شود.

عملکرد جمهوری اسلامی ایران قبل از تصویب قانون

عملکرد جمهوری اسلامی ایران با حقوق بین‌الملل منطبق بوده است. این مطلب به عنوان دلیلی جهت آزادی کشتی المحرق (به تاریخ ۱۲ جولای ۱۹۸٤) متعلق به شرکت کشتیرانی عربی متحده، علی رغم اینکه عراق سهامدار آن می‌باشد ، ذکر می‌شود.[۲] تنها کشتی ibn Al Beitar تحت پرچم کویت، که در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۵ به وسیله نیروی دریایی ایران توقیف شد، به علت تردیدهای جدی دایر بر تعلق کشتی مزبور به

---

۱. ماده ۳ (۹)، قانون رسیدگی به دعاوی مربوط به غنایم جنگی

۲. فهرست کشتیهای بازرسی شده به وسیله نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران :

T.S. Schiller , The Gulf War and Shipping : Recent Developmets, in B.A. H. parritt (ed) , Violence at sea, 2nd ed (1986), pp. 114 ff.

دشمن، اجازه داده نشد که مجدداً به راه خود ادامه دهد.[۱] کشتی مزبور هدف حمله نیروی هوایی عراق قرار گرفت و غرق شد.

رأی در خصوص اعتبار قانونی توقیف

بر اساس قانون مصادره کالاها، اموال و وسائط نقلیه بایستی مبتنی بر رأی دادگاه غنایم جنگی باشد. با وجود این، در دو مورد مصادره می‌تواند بدون دخالت قاضی صورت پذیرد:[۲]

اولین استثنا مربوط به مصادره اموال عمومی دشمن: این امر مطابق حقوق بین‌الملل است و ممکن است حتی در مقایسه با رویه و عملکردی که در حال حاضر مصادره اموال دشمن را به اموال دولتی و نیز اموال متعلق به اتباع این دولت تعمیم می‌دهد، معتدل و مناسب تلقی شود.

دومین استثناء[۳] ناظر است بر اموال، کالاها و وسائط نقلیه‌ای که ایران ایران انتقال آنها را به سرزمین دشمن ممنوع اعلام کرده است. این استثنتائات مطمئناً با این قاعده که «هر توقیفی باید مورد قضاوت قرار گیرد» ناسازگار است؛ البته این امر بایستی به این صورت توصیف گردد که هر دعوی مربوط به مصادره اموال می‌تواند به محکمه تسلیم شود.

قطع نظر از این دو استثنا مصادره کالاها،اموال و وسائط نقلیه باید در عرض چهار ماه از تاریخ توقیف به دفتر دادگاه تسلیم شود. مواد غذایی فاسدشدنی و کالاهایی را که نگهداری از آنها مقرون به صرفه نباشد،

---

۱. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیع جمهوری اسلامی ایران، اداره حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱ ، جلد دوم ، ص ۱۱۲

۲. ماده ٤ ، قانون رسیدگی به دعاوی مربوط به غنایم جنگی

۳. شارل روسو ، منبع پیشین ، ص ٥٤

می‌توان با اجازه دادستان به فروش رسانده، وجوه حاصل از فروش را تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه، به حساب وزارت دادگستری واریز کرد.

از آنجا که دادگاه مزبور بخشی از دادگاه عمومی نظام حقوقی را تشکیل می‌دهد، دعاوی مطابق آئین دادرسی مدنی رسیدگی می‌شوند؛ مقر دادگاه در تهران است و تا این تاریخ (مارس ۱۹۹۰- اسفند ۱۳۶۹) هیچ حکمی صادر نکرده است.

اعمال حق تفتیش و توقیف بعد از آتش‌بس

روزی که بین ایران و عراق آتش‌بس برقرار گردید، فرمانده نیروی دریایی ایران اعلام کرد که نیروهایش تا زمان صلح، به تفتیش کشتی‌ها ادامه خواهند داد.[۱] عراق به عمل مزبور اعتراض کرده، آن را مغایر منشور ملل متحد و به ویژه اصل امنیت دسته‌جمعی دانست.[۲] نظریه ایران مبتنی بر این واقعیت بود که متارکه جنگ و حتی فراتر از آن، آتش‌بس، حالت جنگ را پایان نداده و تا زمانی که به یک معاهده صلح دست یابند، حقوق جنگ حاکم بر روابط بین دو دولت خواهد بود. در عین حال ایران اضافه می کند آمادگی آن را دارد که به یک فرمول مصالحه دست یابد.

اگرچه ایران در عمل اقدام به تفتیش نکرد، با وجود این، مسئله باقی است و از نظر تئوریک می‌تواند جالب باشد. در چهارچوب کنوانسیون‌های ترک مخاصمه است که می‌توان راه حلی برای مسئله مزبور یافت. اکثر این کنوانسیون‌ها به طور کلی اعمال حق توقیف را منع می‌کنند. موضع علمای حقوق یکپارچه نیست. با وجود این، اکثریت مؤلفین مدافع

---

۱. روزنامه اطلاعات، ۲۹ مرداد ۱۳۶۷

۲. سخنرانی وزیر امور خارجه عراق در ٤٣ امین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ٤ اکتبر ۱۹۸۸

استدلال مخالف هستند.[۱] در خصوص دوره آتش‌بس، سوابق نادر است، اگر نگوییم که اصلاً وجود ندارد.

از آنجا که اعمال حق توقیف نمی‌تواند به خودی خود عملی مخاصمه‌آمیز تلقی شود، می‌توان نتیجه گرفت که متخاصمین می‌توانند حداقل تا زمان انعقاد یک قرارداد ترک مخاصمه به اعمال حق مزبور ادامه دهند.

واکنش در برابر تخلف از تعهد به بی‌طرفی و تبعیض بین دول متخاصم

کویت، عربستان سعودی و ایالات متحده امریکا از سوی ایران متهم شدند که در طول جنگ از تعهدات بی‌طرفی و عدم تبعیض قصور ورزیده‌اند.[۲] موضع ایران در برابر همه آنها یکسان نبود. ایران به کوتاهی-های کویت و عربستان سعودی از طریق حمله به تانکرهای حامل نفتشان پاسخ داد. راجع به ایالات متحده که از سوی ایران متهم به همکاری با متجاوز بود، عکس‌العمل واجد شرایط خاصی بود و با در نظر گرفتن شرایط حاکم مورد به مورد اقدام شد.

حمله به نفت‌کش‌های بی‌طرف

بعد از توسعه منطقه ممنوعه عراق در ۱۲ اوت ۱۹۸٤، نیروی هوایی عراق به تعدادی از نفت‌کش‌های بی‌طرف را در مجاورت ترمینال نفتی جزیره خارک حمله کرد. در ۲۵ آوریل ۱۹۸٤ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳٦۳)،

---

۱. حمید رضا ملک محمدی نوری، مفاهیم تعلیق و حالت نه جنگ، نه صلح، در حقوق بین‌الملل، زیر نظر جمشید ممتاز (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۲)
۲. ماده ۹ کنوانسیون پنجم لاهه ۱۹۰۷

عراق برا ی اولین بار به سوپر تانکر "Safina al Arab" که تحت پرچم سعودی بود، حمله کرد.

کشور مزبور روزهای بعد حملاتش را تشدید کرد. ایران در ١٦ مه ١٩٨٤ با حمله به نفتکش Yanbu Pride که تحت پرچم سعوی بود، مبادرت به مقابله به مثل نمود. تعداد حملات ایران که غالباً علیه نفت-کش‌هایی که حامل نفت کویت بودند، صورت می‌گرفت، در مقایسه با حملات عراق کمتر بود.

جنگ نفت‌کش‌ها تا پایان مخاصمات تداوم یافت و برای کشتیرانی بی‌طرف خیلی سنگین (گران) تمام شد. در ٢٥ مه ١٩٨٢ (٤ خرداد ماه ١٣٦١)، شش دولت عضو شورای همکاری خلیج فارس، طی نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت را کردند. سفیر ایران در سازمان ملل بر آن شد که حمایت ایران را توجیه کند. استدلال ایران مبتنی بر دو ایده بود:

- ✓ واکنش علیه کمک‌های تدارک دیده شده برای دولت عراق توسط برخی از دولت‌های منطقه.
- ✓ اصل یکپارچگی در خلیج فارس.

نتایج کمک‌های اعطایی به عراق: به نظر ایران «برخی دولت‌های منطقه که منابع مادی و کمک‌های وسیعی را در اختیار عراق قرار داده ، آن دولت را تشویق به تهدید کشتی‌های تجاری در خلیج فارس می کنند، هنوز خواهان این هستند که از نتایج پشتیبانی آشکارشان از عراق متجاوز علیه

ایران مصون بمانند».[۱] کویت و عربستان به طور خاص، مشمول این وضعیت هستند.[۲]

نظر ایران این بود که از آنجا که نفت تنها منبع درآمد این کشورهاست، نفتی که توسط این نفت‌کش‌ها در شرایط فعلی حمل می‌شود، کالایی ممنوعه تلقی می‌گردد؛[۳] لذا ایران حق توسل به زور علیه نفت‌کش‌های کشورهای مزبور را برای خود محفوظ نگه می‌دارد. مسئله مشروعیت چنین اعمالی به نحو زیرکانه‌ای طرح شده بود. در این مرحله بایستی بین نفت‌کش‌های تحت پرچم کشور بی‌طرفی که ذی‌نفع در مناقشه نیست، و آن کشتی‌هایی که تحت پرچم کشورهایی هستند که از تعهدات اساسی بی‌طرفشان قصور ورزیده‌اند، تمایز قائل گردد.

بدیهی است که شورای امنیت در قطعنامه۵۵۲ (اول ژوئن ۱۹۸۳) این تمایز را مورد توجه قرار داده، صرفاً حمله به کشتی‌های حامل پرچم دولت‌های غیرساحلی خلیج فارس را محکوم کرد.[٤] چنین تفسیری منجر به این می شود که ما بپذیریم ایران در توسل به زور علیه کشتی‌های تحت پرچم کویت و عربستان، به منظور واداشتن آنها بر انجام تعهداتشان، محق بوده است.

---

۱. نامه سعید رجایی خراسانی نماینده اسبق دائیم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد به دبیر کل ۲۵ مه ۱۹۸٤ (٤ خرداد ۱۳٦۱)

۲. اظهارات یک خلبان اسیر عراقی ، در خصوص استفاده نیروی هوایی عراق از حریک هئایی کویت برای حمله نفتکشها و تاسیسات نفتی ایران در خلیج فارس

۳. نامه وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به دبیر کل سازمان ملل

4. F.V. Russo , op.cit , supra , note 11 , p 396

در این ارتباط «ایران می‌بایست مطابق معیار ضرورت و تناسب، ملحوظ در حقوق مدرن دفاع مشروع عمل می‌کرد.» در نهایت در این منطقه، آزادی عمل دول متخاصم به میزان کمکی که یک دولت بی‌طرف به توان نظامی دشمن می‌کند بستگی دارد و اینکه می‌توان در نهایت امر حقوق اعطایی به دولت بی‌طرف را سلب کرد. اگر این‌طور باشد، تردیدی وجود ندارد که در کلیه موارد، انهدام کشتی‌های تجاری مستلزم اخطار قبلی است و کشتی باید ایمنی سرنشینان را تأمین کند.

اصل یکپارچگی امنیت در خلیج فارس: «از نظر جمهوری اسلامی ایران، امنیت خلیج فارس تجزیه ناپذیر است، یا امنیت برای همه وجود دارد، یا هیچ امنیتی برا ی هیچ کسی وجود ندارد.»

اهمیت امنیت کشتیرانی برای ایران انکارناپذیر است، از آنجا که از طریق این آبراه است که ایران بخش عظیمی از نفتش را صادرمی‌کند، عراق به منظور قطع منبع اصلی درآمد ایران و اجبار به پذیرش پیشنهادات صلح، نفت‌کش‌هایی را که مقصد و یا مبدأ آنها بنادر ایران بود، مورد حمله قرار می‌داد.

بر این اساس ایران مجبور شد که با حمله به کشتی‌های بی‌طرف پاسخ گوید تا بدان وسیله صادرات نفت به دیگر کشورها از طریق خلیج فارس را قطع کند. در این زمینه بود که ایران به اصل یکپارچگی امنیت در خلیج فارس توسل جسته تا عمل خود را توجیه نماید. در واقع، اتخاذ این سیاست جدید که فاقد هرگونه مبنای حقوقی بود، این امید را تقویت می‌کرد که قربانیان، به عراق فشار وارد نمایند تا به حملات خود پایان دهد.

در این راستا بود که رهبران ایران در چندین مورد در طول جنگ تهدید کردند که اگر قادر به استفاده از تنگه هرمز برای صدور نفتشان نباشند، آن را

خواهند بست.[۱] این واقعیت که بیش از نیمی از ناوگان نفت‌کشی کویت تحت پرچم ایالات متحده امریکا از تنگه هرمز عبور کردند و در اقدام به درگیری احتیاط می‌شد، مؤید شکست نسبی این سیاست می‌باشد.

مشارکت ایالات متحده به نفع عراق در مخاصمه: حضور گسترده ناوگان ایالات متحده درخلیج فارس، ریشه و عامل بحران شدید با ایران بود. ایالات متحده امریکا در «اعمال حق دفاع مشروع»[۲] به یک سلسله اقدامات دریایی و هوایی علیه اهداف ایران مبادرت ورزید. ایران بلافاصله این اعمال را به عنوان اعمال تجاوزکارانه تلقی کرده و از اجازه دادن به ناوگان امریکایی در اعمال حق عبور بی‌ضرر خودداری نمود.

اعمال تجاوزکارانه ایالات متحده امریکا: اهمیت این مسئله برای ایران آنچنان بود که شخص وزیر امور خارجه ایران، دلایل ایران را در نامه‌های ارسالی خطاب به دبیر کل سازمان ملل تبیین کرد؛ دلیلی که بعداً در شورای امنیت در طول مذاکرات مربوط به انهدام ایرباس ایرانی، به تفصیل تشریح گردید. به نظر ایران، حضور ناوگان ایالات متحده مغایر با نص قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به ویژه پاراگراف ۵ آن بود. اشاره به این قطعنامه توسط دولتی که هنوز آن را نپذیرفته، حداقل امری توأم با تناقض است.

ایالات متحده به دلیل عضویتش در سازمان ملل متحد، متعهد بود که تصمیم شورای امنیت را اجرا کند. در عین حال باید بر نقش و مسئولیت ایالات متحده به عنوان عضو دائم شورای امنیت، در حفظ صلح

---

۱. خطبه های نماز جمعه تهران رییس جمهوری وقت ، آیت الله خامنه ای ، ۱۳ اسفند ۱۳۶۳

2 . UN . Doc. S/19149 , 22 september 1987